

در سالگرد تاسیس استان بیست وینجم
اردبیل سخن می گوید:
آفتاب آذربایجان در مشرق غروب نخواهد کرد!

فرزاد صمدلی*

مقدمه:

در مقاله پیش روی دو موضوع ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

- الف: بررسی عوامل منتهی به تاسیس استان اردبیل به مرکزیت شهرستان اردبیل در فروردین ماه سال 1372:

در اواسط سال 1371 مصوبه ای از طرف وزارت کشور در خصوص تاسیس دو استان جدید در شمال و شمال غرب ایران به هیات دولت فرستاده شد. در این مصوبه به رییس جمهور وقت پیشنهاد شده بود تا با توجه به بررسیهای بعمل آمده توسط کارشناسان این وزارت خانه با تاسیس استان طبرستان (در منطقه ای که امروزه استان گلستان نامیده می شود) و نیز استان سیلان (در جغرافیایی که اکنون تحت نام استان اردبیل شناخته می شود) موافقت گردد. (1)

در تاریخ 22 مهرماه همان سال از دو استان پیشنهاد شده مذکور ، تاسیس استان جدیدی به مرکزیت اردبیل مورد موافقت هیات دولت قرار گرفته لایحه ای با نام تاسیس استان سیلان به مجلس چهارم شورای اسلامی فرستاده شد. این لایحه از طرف دبیرخانه مجلس به کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور ارجاع گردید. در این کمیسیون نمایندگان مجلس با انجام اصلاحاتی در عنوان و متن لایحه دولت، خواهان تاسیس استان جدید با نام آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل و تغییر نام استان آذربایجان شرقی به استان آذربایجان مرکزی می شوند.

کلیات این لایحه در 71/10/22 مورد تصویب قرار می گیرد. با تصویب این لایحه به دولت اجازه داده می شود تا استان جدید آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل و استان تغییر نام یافته آذربایجان مرکزی به مرکزیت تبریز را تاسیس کند.

بلافاصله پس از تصویب کلیات این لایحه در مجلس ، صدها هزار نفر در استان جدید التاسیس به خیابانها آمده شادمانی می کنند و صدها پیغام تبریک از اهالی استان تغییر نام یافته به مردم اردبیل ارسال می شود.

اما بصورت غیر منتظره ای در جلسه نود و هشتم روز یکشنبه 22 فروردین ماه سال 1372 نمایندگان مجلس شورای اسلامی در شور دوم خود، تاسیس استان جدید را با نام استان اردبیل تصویب می کنند! شورای نگهبان نیز بسرعت در سی ام همان ماه ، لایحه مذکور را تایید می کند.

بخ این ترتیب سرزمینی که طی هزاران سال گذشته بنام آذربایجان شناخته می شد و با همین نام از دالانهای شکفت انگیز تاریخ گذشته بود تنها طی چند ساعت گفتگو میان نمایندگان موافق و مخالف از پیکره آذربایجان جدا می شود!

در بخش نخست این مقاله کوشش خواهد شد تا عوامل و شرایط منتهی به تاسیس استان اردبیل و نیز علل اخراج رسمی این استان از جغرافیای تاریخی آذربایجان توسط تصمیم گیرندگان وقت در دولت و مجلس ، مورد بررسی قرار گیرد.

- ب: بررسی لایحه جامع تقسیمات کشوری با تاکید بر آذربایجان و مشخصا استان اردبیل :

لایحه جامع تقسیمات کشوری و یا عبارتی لایحه ده ایالتی شدن جمهوری اسلامی ایران نخستین بار در سال 1379 از طرف وزارت کشور مطرح شد. هدف از این طرح ارایه تقسیمات جدیدی برای اداره کشور پهناور و کثیر المله ایران بود. تاکنون جزئیات بخصوصی از این طرح جنجال انگیز ارایه نشده است. اما به نظر می رسد این لایحه عمدتا بخاطر دلایل امنیتی در مجلس ششم مسکوت ماند.

در بخش دوم این مقاله به بررسی کلیات لایحه مذکور و همچنین به چگونگی و هدف از اجرای احتمالی آن خواهیم پرداخت.

ضمنا در آغاز این مقاله لازم می دانم متذکر چهار نکته مهم شوم:

- اول اینکه هدف نگارنده از ارایه این نوشتار مطلقا تخریب و یا تکریم شخصیت هیچ یک از افرادی که نام آنها در این مقاله آمده است نیست. بی تردید وجدان بیدار ملت آذربایجان خود بهترین میزان برای سنجش صحت و یا سقم اظهارات این افراد است.

- دوم اینکه نویسنده ایدا قصد ندارد تا سیاستهای نظام جمهوری اسلامی ایران را در تقسیمات کشوری با سیاستهای نظام طاغوت مقایسه کند.

- سوم اینکه یکی از مهمترین اهداف نویسنده این سطور افشا شدن جریان پان آریانیستی بسیار خطرناکی است که از دوران پهلوی شکل گرفته و در حال حاضر با نفوذ در برخی از مراکز تصمیم گیری در صدد هدم حیات دموکراتیک اقوام و ملل ایران است.

- چهارم اینکه از آقای ساوالان (شهرام) میرزایی یکی از اعضای محترم کمیته اعاده (فائزیش کومینه سی) که در تهیه این مقاله اینجانب را به رغم کسالت شدیدی که همزمان برای والد بزرگوارشان پیش آمده بود با کمکهای ذی قیمت خود یاری کرده اند صمیمانه تشکر می نمایم و از حضرت حق عافیت والدین محترمشان را طالبم.

الف: بررسی عوامل منتهی به تاسیس استان اردبیل به مرکزیت شهرستان اردبیل در سال 1372

خواست عموم اهالی اردبیل، خلخال و مغان تاسیس استان آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل

بی تردید طی دهه های گذشته یکی از مهمترین خواسته های مردم اردبیل و محال اطراف آن تاسیس یک استان جدید با مرکزیت اردبیل بود. التهاب مردم برای رسیدن به وضعیت استانی سال به سال افزایش می یافت. در واقع این خواسته تبدیل به یک ارمان مردمی شده بود بنحویکه موضوع استان شدن اردبیل طی چندین دهه یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث در میان اهالی بود. (2)

در واقع اردبیلیها بر این امر اصرار داشتند که با توجه به تاریخ درخشان چندین هزار ساله شهر، قرار گرفتن در رتبه هفدهمین شهر پرجمعیت کشور، دارا بودن مرز طولانی مشترک با اتحاد شوروی سابق و سپس جمهوری آذربایجان، برخورداری از جاذبه های شگفت انگیز طبیعی و همچنین نقش مشهود این شهر در عرصه های مختلف حیات ملی، اردبیل برای استان شدن کاملاً لیاقت دارد و محق است تا تحت نام «آذربایجان شرقی» بودجه مخصوص بخود را داشته باشد. لازم به ذکر است که موضوع استان شدن شهرستان اردبیل مطلقاً به معنای تلاش برای جدا شدن از شهرستان تبریز نبود چراکه اساساً شهر فوجامان تبریز نه فقط برای اردبیلیها بلکه برای همه آذربایجانیهای جهان از دیرباز بعنوان سمبل ملی مطرح بوده است.

جالب این که اهالی شهر اردبیل سالها قبل از آنکه احتمال تغییر نام استان آذربایجان شرقی به استان آذربایجان مرکزی مطرح شود در عناوین پیشنهادی خود برای استانی با مرکزیت اردبیل، آذربایجان شرقی و برای استانی به مرکزیت تبریز، آذربایجان مرکزی را تعیین کرده بودند و در دیدارهای خانوادگی و یا دوستانه مابین خود، عموماً بر آن صحنه می گذاشتند. در واقع با توجه به اعتبار ویژه ای که اهالی اردبیل برای تبریز عزیز قایل بودند از عنوان استان آذربایجان مرکزی به مرکزیت تبریز که بنوعی تداعی کننده شهرت شگرف و تاریخی این شهرنه فقط در سطح آذربایجان و ایران بلکه در مشرق زمین بود استقبال می کردند.

ترفند ایجاد اختلاف

متهم مرکز استان است نه مرکز کشور!

در دوران رژیم پهلوی بشدت سعی شد تا جهت ایجاد اختلاف میان شهر اردبیل با مرکز استان آذربایجان شرقی، چنین جلوه دهند که؛

«تبریز بعنوان یک شهر استثمارگر نخستین مانع استان شدن اردبیل است»!!!

قطعاً رژیم سابق بخوبی بر این امر واقف بود که وحدت ترکهای سراسر ایران با یکدیگر و بویژه در آذربایجان قادر به ایجاد سپرهای پولادینی در برابر رفتارهای پان آریانیستی و استبدادی آنها خواهد بود. به همین دلیل رژیم آریا مهري از بدو کودتای رضاخان علیه دولت قانونی احمد شاه قاجار، همواره می کوشید تا به هر نحو ممکن ارتباطات میان ترکهای ایران که از اکثریت مطلق جمعیتی برخوردار بودند را مخدوش کرده و در نهایت از هم بکسلد. حکمه پوشان پهلوی طی 57 سال سلطنت خود ضمن اتکای بی چون و چرا از دول وقت انگلیس و آمریکا کوشیدند تا با رسمی کردن آیین نامه ای زبان و فرهنگ اقلیت، رسوم منغور و مفاخر مشنوم شاهان قبل از اسلام را زنده کنند.

متأسفانه در این خصوص موفقیتهایی نیز نصیب این رژیم کودتایی شد. واقعیت آن است که در حال حاضر به دنبال اقدامات گسترده و متوالی رژیم ضد ترک آریا مهري، میزان ارتباطات فرهنگی میان اقوام و ملل ایران از یک سو و همچنین مناسبات تاریخی مابین مناطق ترک نشین کشورمان از سوی دیگر کاهش چشمگیری داشته است. اگرچه پس از انقلاب اسلامی و خصوصاً اتمام جنگ هشت ساله ایران و عراق و عبارتی عبور از دوران بحرانی دهه شصت، برخی تلاشها برای ایجاد ارتباطات فرهنگی میان اقوام و ملل ایران و نیز مناطق ترک نشین پراکنده در چهار گوشه کشور صورت گرفته اما بسیار نا کافی است.

به نظر می رسد هنوز نیز کارگزاران فرهنگی کشور چندان مایل به برقرار شدن روابط فرهنگی میان ترکهای مقیم سراسر ایران نیستند!

طبعاً در میان مناطق ترک نشین پهنا ایران، آذربایجان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. همین ویژگی منحصر بفرد ایالت آذربایجان باعث شده بود تا دستگاههای تبلیغاتی و امنیتی رژیم پهلوی بصورت غیر رسمی در صدد رویاندن قارچههای اختلاف در میان اهالی آذربایجان مخصوصاً در شهرهای مهمی چون اردبیل و تبریز برآیند.

بعنوان مثال اگر اهالی نسبت به میزان کم بودجه عمرانی تخصیص یافته به شهرشان اعتراض می کردند بلافاصله برخی از مدیران مزدور ویا فرب خورده آن شهرها انگشت اتهام را بسوی مرکز استان نشانه رفته و می گفتند : مردم آگاه باشید ! کمی بودجه های عمرانی شهر ما به این علت است که مرکز استان ناعادلانه رفتار کرده اکثر این بودجه را به خود تخصیص داده است!!!

با بکار گیری این شیوه رندانه ، تهران بعنوان مرکز کشور و منبع اصلی توزیع ناعادلانه ثرونها و فرصت‌آفرین‌ها عامه مردم از اتهام رفتار تبعیض آمیز خود در میان استانها تبرئه میشود.

البته نا گفته پیداست که اهالی آگاه شهرهای آذربایجان در مقابل چنین ترفندهایی با هشیاری عمل کرده بارها وحدت نظر خود را در مقاطع مختلف نشان داده بودند. همین شیوه بصورت جدی در دیگر مناطق قومی ایران نیز دنبال شد.

اما واقعیت آن است که رژیم آریامهر فقط در صدد ایجاد اختلاف میان شهرهای غیر تات (فارس) نشین نبود. اساسا این رژیم به شدت در تلاش بود تا از طریق ایجاد نگرشهای منفی و رواج شایعات سخیف میان شهرهای مجاور با یکدیگر و نیز با مرکز استانها ، مانع از وقوع سلسله اتفاقات امنیتی هم راستا در هر منطقه ای از کشور شود. به همین دلیل استانهای خراسان، کرمان، یزد، فارس، اصفهان ، لرستان، سمنان ، مازندران و... انباشته از اختلافات مجعول میان شهرها با یکدیگر و همچنین با مرکز بود. اختلافاتی که اکنون نیز کم و بیش بقوت خود باقی است و حتی بعضا منجر به بروز تنشهای بسیار شدیدی نیز می شود.

بعنوان مثال شاهرودیه شهر سمنان ، کاشانیه شهر اصفهان و رفسنجانیه شهر کرمان را بعنوان مراکز استانهای سمنان و اصفهان و کرمان نه حتی رقیب بلکه دشمن ترقی و پیشرفت خود میدانند . مردم خمینی شهر اصفهان را سرزنش می کنند. بروجردها نسبت به خرم آبادیه بد بین هستند. اهالی انزلی از رشت می نالند.. یا در استان مازندران، آملیه همیشه از بابلیها و برعکس انتقاد دارند. در استان خراسان نیز وضع بر همین منوال است. سال 81 و 82 به هنگام بررسی لایحه تقسیم استان خراسان به پنج استان جدید در مجلس ششم ، شهرهای بیرجند، قائنات، طبس، بجنورد و سبزوار که هریک از دیدگاههای متفاوتی در خصوص چگونگی تقسیمات استان خراسان برخوردار بودند دچار ناآرامیهای شدیدی شدند. اخبار و تصاویر رسیده از این آشوبهای خسارت بار و پرتلفات حکایت از آن داشت که افشار مختلف مردم اعم از پیر و جوان و زن و مرد در این اعتراضات حضور دارند. این اعتراضات شدید سبب مسکوت ماندن لایحه مذکور گردید. حتی بعضا کار به جایی رسیده است که در مراکز دو استان مختلف همچون خراسان و اصفهان و با کرمانشاهان و کردستان به رغم فاصله طولانی و انفکاک کامل اداری برخی از جهال نه تنها نسبت به هم بدبین هستند بلکه متاسفانه یکدیگر را تحقیر نیز می کنند.

اما به رغم این مسایل اهالی اردبیل که همانند دیگر شهرهای آذربایجان و ایران تحت بمباران شدید دستگاه تبلیغاتی آبادی بومی و غیر بومی پهلوی قرار داشتند نه فقط عملا نسبت به شهرهای دیگر بدبین نشدند بلکه بارها شنیده شد که شخصیتهای مشهور اردبیلی در محافل مختلف، عموماً رژیم پهلوی را عامل تخصیص اندک بودجه برای اردبیل و مانع حقیقی استان شدن این شهر تاریخی معرفی می کردند.

متاسفانه توطئه ایجاد اختلاف میان شهرهای قومی بویژه در آذربایجان اکنون نیز توسط جریانهای پان آریانیستی دنبال می شود. (3)

مساله استان شدن اردبیل به حدی در میان اهالی شهر مطرح بود که برخی از مسئولین شهر به هنگام سفر مقامات مهم کشوری ، لشکری و مذهبی چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب عموماً مسئله استان شدن اردبیل را در قالب یکی از مهمترین خواستههای مردم شهر مطرح می کردند. قبا از انقلاب در زمان سفر پهلوی دوم و بعد از انقلاب به هنگام مسافرت آیت الله مشکینی ، آیت الله موسوی اردبیلی و مرحوم سرلشکر ظهیر نژاد این درخواستها تکرار شد. تقاضای استان شدن اردبیل به هنگام سفر مقام معظم رهبری به استان وقت آذربایجان شرقی و دیدار از شهر اردبیل و همچنین در موقع سفر آقای علی اکبرهاشمی رفسنجانی ، رییس جمهور وقت در تاریخ 22 مهر سال 1370 نیز بصراحت از جانب مسئولین شهر و بخصوص مرحوم آیت الله مروج امام جمعه اردبیل تکرار شد.

اردبیل درآستانه استان شدن

آذربایجان چشم در چشم آذربایجان !

انقلاب عظیم اسلامی اقوام و ملل ایران در سال 57 با سرنگونی رژیم نژاد پرست آریا مهر به پیروزی رسید. سقوط رژیم پهلوی و روی کار آمدن یک نظام انقلابی در ایران، اهالی اردبیل را در تحقق خواست خود مبنی بر استان شدن مصمتر کرد.

اگرچه در سال 59 طرحی از جانب وزارت کشور وقت در خصوص استان شدن اردبیل تهیه و آماده ارسال به مجلس دوره اول بود اما بدنبال بروز نا آرامیهای شدید در سالهای آغازین انقلاب ، تجربه تلخ آذربایجانیه در برخورد نظام جدید با طرفداران خلق مسلمان و همچنین وقوع هشت سال جنگ بر خسارت میان ایران و عراق از مسایلی بودند که برای مدتی کوتاه مانع از ظهور و بروز جدی تقاضای اردبیلیها در زمینه استان شدن شهرستان خود گردید. درواقع اگرچه کاندیداهای نمایندگی مجالس دوم و سوم به هنگام مبارزات انتخاباتی خود از اهمیت استان شدن اردبیل صحبت می کردند اما اهالی شهر بیشتر ترجیح می دادند تا

موضوع استان شدن اردبیل را موکول به زمانی کنند که کشور از مسایل و مصایب جنگ فارغ شده باشد. به همین دلیل پس از اتمام جنگ ایران و عراق اهالی اردبیل که به نسبت جمعیت خود، یکی از نخستین مناطق کشور در کثرت تعداد شهدا و جانبازان بود موضوع استان شدن را مجددا در دستورکار خود قرار داد.

اما اواخر دهه شصت شمسی به رغم تثبیت اوضاع داخلی ایران، مصادف با تحولات جهان خارج بود. در واقع بدنبال فروکش کردن آتش جنگ در مرزهای ایران و عراق و همچنین سنگینتر شدن سایه دولت بر عرصه های مختلف ملی، ناگهان شعله های اشتیاق متقابل و تاریخی آذربایجانیهای دو سوی آراز چایی (رود ارس)، سیمهای خاردار نوار مرزی آذربایجان ایران با اتحاد جماهیر شوروی را ذوب کرد! در سال 67 بدنبال بروز ضعف در اقتدار نظام شوروا، دهها هزار تن از آذربایجانیها، با تجمع در دو طرف آراز چایی خواهان اتحاد دو آذربایجان شدند. طی چند هفته مردم با هجوم به موانع مرزی، اقدام به آتش زدن تیرکهای چوبی، قطع سیمهای خاردار و سر دادن شعارهای ملی کردند. در جمهوری آذربایجان خاطره این روزهای فراموش ناشدنی همه ساله بصورت سمبلیک در 31 دسامبر گرامی داشته می شود.

آذربایجان بیر اولسون مرکزی تبریز اولسون

این شعار از جمله شعارهای بسیار معروفی بود که حتی سانسورچی های زبردست روزنامه کیهان آنزمان نیز قادر به حذف آن نشدند.

شعارهای ملی آذربایجانیهای دو ساحل آراز چایی در همه جای جهان پیچید. آراز در کانون توجه خبرگزاریها و دیپلماتهای دنیا قرار گرفت. در همین ایام دهها هزار نفر از اهالی مسلمان جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی فقط از طریق مرز مغان وارد ایران شدند. طبعاً بسیاری از این افراد به دلیل نزدیکی اردبیل به این شهر نیز سفر کردند.

خاطرات سفر برادران و خواهران رها شده آذربایجانی ما از زنجیر اسارت روسهای کمونیست هرگز از یادها محو نخواهد شد. حتی چندین تن از آذربایجانیهای دو سوی رود خانه به هنگام شنا بسوی حسرت سرای آرزوهای خویش، در آغوش موجهای آراز برای همیشه غنودند. میهمانان اردبیل از آذربایجان شمالی بحدی زیاد شد که حضور آنها براحتهی در خیابانهای شهر قابل مشاهده بود. خون جدیدی در رگهای آذربایجان ایران دویده بود. همه در آرزوی میزبانی از عزیزترین میهمانان زندگی خود بودند. خانواده هاپس ازدهه ها جدایی همدیگر را می یافتند. در منطقه خاطره دیدار های سوزناک خویشاوندانی که در انتظار عزیزان خود پیر شده بودند دهان به دهان می گشت.

طبعاً میهمانی که پس از دهها سال جدایی و حسرت آنهم از قلمروی ابر قدرت بزرگی چون شوروی وارد آذربایجان ایران می شود حرفهای بسیاری برای گفت و شنود با صاحبخانه دارد!

اما این تنها آذربایجانیهای آنسوی آراز چایی نبودند که به اردبیل می آمدند. گفته می شود به دلیل تحولات شگرفی که از فروپاشی شوروی حاصل شده بود، دولتمردان سرشناس بسیاری بصورت ناشناس وارد اردبیل شدند تا اوضاع جدید منطقه و راهکارهای احتمالی مهار آنچه که از جانب آنها پان آدریسم نامیده می شد را بخوبی بسنجند!

از سوی دیگر دهها هزار نفر از اهالی اردبیل نظیر دیگر مناطق آذربایجان با عبور از مرز، خود را به شهرهای آذربایجان شمالی رساندند. بی شک این جمعیت کثیر که عمدتاً از میان جوانان بودند با چشمهای کنجکاو خود مظاهر چشمگیر زبان، فرهنگ و اقتصاد آذربایجان را در آنسوی مرز بخوبی کاویدند. کوتاه زمانی بعد سرحدات دو کشور بسته شد!

تهران و مسکو که از شوک اولیه این حادثه عظیم خارج شده بودند کوشیدند تا تیرکهای مرز را دوباره علم کنند. سالدانهای روس بار دیگر آنسوی آراز چایی را اشغال کردند. از این پس اگرچه عبور غیر مجاز جوانان پرشور از مرزها به سختی صورت می گرفت و گهگاه تیراندازی مرزبانان خانواده ها را داغدار می کرد اما حلاوت آغوشهای صمیمی انسانهای هم خون دو سوی رودخانه پر رمزو راز آراز به حدی لذت بخش بود که اهالی آذربایجان شمالی و آذربایجان جنوبی هر دو بیش از پیش چشم در چشم هم دوختند.

کشتار خونین مردم باکو توسط ارتش روسیه در زمستان سال 69، تزیید شعارهای ملی گرایانه و تشدید تلاشهای پر پژواک حبه خلق به رهبری مرحوم ابوالفضل آنلجی بی و همچنین فتنه روبه افزایش آرامنه افراطی در قره باغ، اردبیلیها را نیز همانند دیگر اهالی آذربایجان ایران به شدت متوجه تحولات سریع سرزمینهای آذربایجانی آنسوی آراز کرده بود.

در 26 مهرماه سال 1370 جمهوری آذربایجان مستقل گردید. در واقع کشوری جدید در آنسوی مرز ایران با شباهتی تام به این سوی مرز متولد شد. وزارت خارجه کشورمان با تاخیر معنا داری استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخت. در این میان اگرچه با رهایی ملت مظلوم آذربایجان شمالی از جنگال دیو استبداد مسکو، شور و شعف شدیدی در میان ایرانیان و بخصوص آذربایجانیها برانگیخته شد اما بلافاصله برخی از جریانهای پان آریانیستی با جعل نام آران برای آذربایجان جدید الاستقلال کوشیدند تا منکر نام تاریخی آذربایجان آنسوی آراز شوند. در واقع کارشناسان موسسات، بنیادها و انستیتوهای تحقیقاتی پان آریانیستی با بهره گیری از درآمدهای بی حساب نفت، انتشار کتب جدیدی را برای تسخیر، تجعیل و تحریف

تاریخ آذربایجان در سرلوحه کار خود قرار دادند. در چنین شرایطی حمله به نام، تاریخ، فرهنگ و زبان آذربایجان در اولویت قرار گرفت!

بدین ترتیب اولین زنگهای خطر در خصوص احتمال تحدید نام آذربایجان ایران از سوی جریانات پان آریانیستی بصدا درآمد.

در پانزدهم اسفند ماه سال 1370 ایاز مطلب اوف صدر حزب کمونیست سابق آذربایجان شوروی وریس جمهوری آذربایجان مستقل، بدنبال تظاهرات چند صد هزار نفری اعضای جبهه خلق در باکو، از قدرت کناره گیری کرد و به این ترتیب یک شورای شش نفره قدرت را تا برگزاری انتخابات در اختیار گرفت. اما اوضاع جمهوری آذربایجان به دلیل تجاوزات گسترده آرامنه، اشغال شهرها و نیز مناقشات سیاسی داخلی همچنان بسیار بفرنج بود.

در 16 اردیبهشت ماه سال 71 مقامات دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان با سفر به تهران در کنفرانس صلحی که با میانجیگری دولت جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده بود شرکت کرده یک توافقنامه صلح هشت ماده ای را امضا کردند. به رغم امضای این توافقنامه در کمال ناپاوری، آرامنه دوروز بعد به شهر شوشا حمله کرده این شهر مهم و تاریخی را اشغال کردند و صدها نفر از مردم بی دفاع را کشتند. جبهه خلق اشغال شدن شهر شوشا توسط آرامنه را تبانی میان ایران و ارمنستان دانست و بشدت جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرد!

این حملات تهران را بیش از پیش از تحولات آذربایجان نگران ساخت.

در 24 اردیبهشت ماه مجلس ملی آذربایجان که هنوز در دست کمونیستهای پیشین بود مطلب اف را باریگر به ریاست جمهوری انتخاب کرد. جبهه خلق از این اقدام بعنوان کودتایی پارلمانی علیه ملت آذربایجان یاد نمود. صدها هزار نفر از طرفداران این جبهه با شعارهای ملی گرایانه به خیابانها آمدند و توانستند در عرض یک روز مطلب اف را از کشور بیرون کنند!

طی چند هفته انتخابات برگزار شد و ابوالفضل ایلچی بی در 22 خرداد ماه رییس جمهوری آذربایجان شد. بدنبال حاکمیت جبهه خلق روابط میان باکو و تهران به شدت تیره شد. میتینکهای چند صد هزار نفری ملی گرایان جمهوری آذربایجان در باکو، ادعای اشغالی بودن آذربایجان جنوبی توسط پان آریانیستها و نیز محرومیتهای ناعادلانه شهروندان آذربایجان ایران از بدیهی ترین حقوق خود بارها و بارها از روزنامه ها و تریبونهای رسمی باکو بیان شد!

در چنین هنگامه ای آقای عبدالله نوری وزیر کشور وقت، ناگهان تصمیم به استان شدن منطقه ای در شرق آذربایجان ایران گرفت که اهالی آن از دهها سال قبل خواستار استان شدنش بودند. در واقع موج تقاضایی که از دهها سال پیش بر خاسته بود مورد توجه کارشناسان قرار گرفت. این وزارت خانه که اوضاع مرزهای جمهوری تازه استقلال یافته ترکمنستان را با بخشهای ترکمن نشین ایران مشابه دوسوی آراز چایی می دانست استان جدید التاسیس طبرستان را نیز در پیشنهاد خود گنجانده.

اما هیات دولت با توجه به پیچیدگی و حساسیت شرایط آذربایجان، تاسیس استان اردبیل با نامی غیر از آذربایجان را در اولویت نخست قرار داد.

بعبارتی دیگر آذربایجان ایران قربانی روابط تیره تهران و باکو و همچنین ضعف حاکم بر سیاست خارجه کشور گردید و مسئولین امر که بی اعتناء به اجرای اصول 15 و 19 قانون اساسی بعنوان برترین میثاق ملت با دولت بودند برای خنثی کردن توطئه های به اصطلاح طرفداران اتحاد آذربایجان به ضد حمله تجزیه اردبیل از آذربایجان ایران روی آوردند!

لایحه دولت به مجلس

تاسیس استان سیلان به مرکزیت اردبیل !

به ظاهر به نظر می رسد بدنبال تاسیس کمیته پیگیری استان شدن اردبیل و نیز تشکیل جلسات منظم نمایندگان این کمیته در مسجد اردبیلیهای تهران، تلاشهای عمیقاً صادقانه بسیاری از معتمدان شهر جهت ارتقای سطح اداری این منطقه به نتیجه رسیده است.

لایحه تاسیس استان سیلان به شماره ترتیب چاپ 316 از طرف هیات دولت وقت به کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس چهارم ارجاع می گردد. در این لایحه ضمن تاکید بر اطلاق اسم سیلان برای استان جدید التاسیس به مرکزیت اردبیل دلایل زیر برای تاسیس این استان اقامه می شود:

- ضرورت ارتقای سطح تقسیماتی و اداری منطقه در تناسب با امکانات و استعدادهای اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی آن و سرعت بخشیدن به روند توسعه منطقه.
 - تحقق خواست مردم منطقه و آمادگی عمومی برای همکاری با دولت در ایجاد و تخصیص تاسیسات اداری مورد نیاز.
 - گستردگی جغرافیای و کثرت جمعیت منطقه و مشکلات مربوط به توزیع خدمات در نقاط مختلف.
- روزنامه رسمی-مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 69- شماره 13963، ص 22

ملاحظه می شود که دولت در لایحه پیشنهادی خود جهت استدلال ضرورت استان شدن اردبیل به مواردی اشاره می کند که از دهها سال پیش خود اردبیلیها بر آن تاکید داشته اند. اما اینکه چرا پس از گذشت چنین مدت زمان طولانی ای ناگهان استعدادهای خفته اردبیل مورد توجه دولت محترم قرار می

گیرد و بحث استان شدن این شهرستان مطرح می شود مطلبی است که حتی برخی از نمایندگان نیز به هنگام ایراد نطقهای مخالف و موافق بر زبان می آورند:

علی موحدی ساوچی نماینده مرحوم مردم تهران در مجلس چهارم در این خصوص می گوید:

- ما در کشور مان خیلی جاهای دیگر داریم که سالهای سال است مردم تقاضایشان و فریادشان و خواسته شان را اعلام کرده اند به اینکه باید یک استان جدید ایجاد بشود و ما داریم جاهایی را که حتی شرایط اردبیل را بیشتر دارند. سوءال ما از دولت این است که کسانی که می خواهند جواب بدهند باید جواب روشنی به ما بدهند. چطور شده سومین استان مملکت از لحاظ جمعیت و یک منطقه ای که از لحاظ فاصله با مرکز استان می بینیم که اولویت آنچنانی که استانهای دیگر دارند را ندارد در عین حال دولت محترم ابتدا کار را از آذربایجان شروع کرده اند، علت چه بوده است؟ استان خراسان دومین استان از لحاظ جمعیت و اولین استان از لحاظ وسعت جغرافیایی است بطوری که شما اگر بخواهید ضوابط و شرایط تقسیمات کشوری را معیار قرار دهید آن استان باید سه تا استان بشود یا استانهای دیگری که ما در مملکت داریم که باز شرایط و ضوابط را حداقل دارند اما آیا واقعا مصلحت است که این کار انجام بشود؟! (4)

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 69، شماره 13963، ص23

در واقع دلایل مخالفت موحدی ساوچی با استان شدن اردبیل بر اساس معیارهای عامی که هیات دولت در لایحه خود برای استان جدید التاسیس شمرده است دور از واقعیت نیست. اما چرا دولت بر استان شدن اردبیل تاکید دارد؟! موضوعی است که بصورت تلویحی در سخنان یکی از نمایندگان موافق لایحه به چشم می خورد.

سید علی اکبر حسینی، نماینده مردم تهران :

- نخست تذکر می دهم که تقسیمات کشوری این استان و آن استان مایه جدایی مردم ما نیست و نمی شود و ملت ما یک امت واحده است... و این تقسیمات مایه جدایی قلوب آنها نخواهد شد... نکته دوم انتخاب نامی است که کمیسیون برای این مولود تازه می خواهد برگزیند و نامی که هیات دولت برای این مولود گزیده است هرکدام مزایایی دارد. آذربایجان اشاره ای به سابقه تاریخی و دلیریها و حمیتها دارد و سیلان هم اشاره به عظمت و غیرت و سرافرازی این مردم. ما در احادیثمان مومن به کوه تشبیه شده «المومن کالجبل» مومن مانند یک کوه سرافرازی است که عواصف و طوفانهای سخت او را از جا نمی کند، نمی لرزاند. به عقیده من نام دوم نامی است مناسب و انتخاب هیات دولت بر انتخاب کمیسیون از این جهت که تکرار نام سرافرازیها و دلیریها را یاد آوری می کند و در قلب این فرزندان این سامان ان عظمت را نقش می بندد مزیت دارد... نکته آخر اینکه ضرورت این تقسیم باید برای مجلس محترم روشن باشد.

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 69، شماره 13963، ص22

آقای حسینی که خود بعنوان معلم برجسته اخلاق در خانواده شناخته می شود و در شبکه یک سیما طی صدها برنامه در تشریح اخلاقیات موعظه کرده اند در گفتاری که منطبق بر صداقت و در واقع اخلاقیات نیست از یکطرف ملت آذربایجان را در قبال امت واحده قرار داده فتوای تجزیه آنرا صادر می کند و از طرف دیگر نام یک کوه در شرق آذربایجان را مهمتر از نام سرزمین تاریخی آذربایجان دانسته و برای آن حدیث نیز می آورد!

بعبارتی دیگر از نظر آقای حسینی مومنین اردبیل برای اینکه مانند کوه محکم باشند و بعبارتی کالجبل شوند باید به نام سیلان تکیه کنند و نام پرافتخار آذربایجان که چندین کوه چون سیلان را بر سینه خود افراشته است را فراموش کنند!

در مباحث آینده بصورت مبسوط توضیح داده خواهد شد که اهمیت تاسیس استان جدید با نام سیلان از طرف دولت و نمایندگان موافق دولت بیشتر از ضرورت تاسیس استانی جدید به مرکزیت اردبیل بر اساس سه دلیل اقامه شده هیات دولت وقت می باشد!

شور اول

دولت : نام استان جدید سیلان است!

مجلس: اردبیل مرکز آذربایجان شرقی و تبریز مرکز آذربایجان مرکزی!

لایحه دولت وقت برای تاسیس استان جدیدی بنام سیلان پس از ارائه به کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مورد بحث و گفتگوی دولتیان و نمایندگان عضو این کمیسیون که اکثرا از وکلای آذربایجان شرقی هستند قرار می گیرد. در کمیسیون شوراها وکلای مذکور به رغم تاکید شدید نماینده هیات دولت ، نام سیلان را نمی پذیرند. گویی کمیسیون قصد دارد رویه ای مستقل در پیش بگیرد. در نتیجه لایحه تاسیس استان سیلان با تغییراتی که در عنوان و متن داده میشود بنام لایحه «تغییر نام استان آذربایجان شرقی به مرکزیت تبریز به آذربایجان مرکزی و تاسیس استان آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل» در دستور کار مجلس چهارم قرار می گیرد.

مباحثات نمایندگان حکایت از آن دارد که هنوز هستند نمایندگانی که می کوشند تا از طریق رویارویی با وکلایی که مدافع سیاستهای دولتند از حیثیت تاریخی آذربایجان دفاع کنند. اما باید در نظر داشت که بسیاری از مدافعان از مقاومت محدودی برخوردارند.

حجت الاسلام سید محمود علوی نماینده شهر (بعضا) قشقایی نیشن لامرد فارس و مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور بعنوان نخستین سخنران در توجیه ضرورت تغییرات انجام شده در عنوان و متن لایحه ارسالی دولت به مجلس می گوید:

- دولت در لایحه تقدیمی نام استان جدید را سیلان پیشنهاد کرده بود که با توجه به مذاکراتی که در کمیسیون صورت گرفت و با عنایت به اینکه نام آذربایجان مترادف با پیشینه درخشان تاریخی، قیامهای دلاورانه مردم سلحشور و فداکار و مومن و متعهد سراسر آذربایجان بود و این نام همواره برای مردم شریف این سامان خاطره انگیز بود، برای حفظ این خاطره حماسه انگیز نام آذربایجان بر استان جدید ابقاء شد و در نتیجه کشور جمهوری اسلامی ایران دارای سه استان به نام آذربایجان خواهد بود.

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 69، شماره 13963، ص 22

ابقای نام آذربایجان بر استان جدید التاسیس به مرکزیت اردبیل و تغییر نام استان آذربایجان شرقی به آذربایجان مرکزی به مرکزیت تبریز یعنی نقش بر آب شدن تمام آن اهدافی که کارشناسان وزارت کشور برای تحقق آن متحمل مررات تاسیس استان جدید شده اند. بنابراین از دیدگاه دولت حتما باید چاره ای اندیشیده شود.

لابی وزارت کشور فعال می شود!

چنانچه گفته شد آقای سید علی اکبر حسینی ضرورت تاسیس استان جدید را با نام سیلان یاد آور می شود. المومن کالجیل!

پس از وی آقای غریبانی نماینده اردبیل بعنوان موافق وقت خود را به محمد قمی می دهد! محمد قمی نماینده شهرستان پاکدشت نیز بر ضرورت استان شدن اردبیل و همچنین موافقت مقامات استانداری آذربایجان شرقی مخصوصا آقای عبد العلی زاده شخص استاندار با این موضوع تاکید می کند و بحث در خصوص تعیین نام استان را به شور ووم موکول می کند.

سخنران بعدی آقای علی موحدی ساوچی است که شرح مخالفتش با تاسیس استان جدید با مرکزیت اردبیل ذکر شد. وی صحبتهايش را با تاکید بر بار سنگین مالی این لایحه خاتمه می دهد.

لابی نمایندگان اصفهان هم بر انتخاب نام سیلان بر استان اردبیل به شدت تاکید می نماید! نخست نماینده نائین صحبت می کند.

سید ابوالفضل رضوی نماینده نائین اصفهان بخاطر بار مالی سنگین این لایحه اخطار قانون اساسی می دهد. وی معتقد است که در صورت عدول از لایحه دولت و تاسیس یک استان جدید و تغییر نام استان دیگر تابلوها و آرمهای هر دو استان باید عوض شود که منبع تامین مالی آنها مشخص نیست.

کسی نمی پرسد مگر بار مالی این تغییر نام چقدر است؟! اساسا اگر این موضوع تا بدین حد مهم است چرا به هنگام تغییر عیث نام استان کرمانشاهان به باختران و باختران به کرمانشاهان بر بار مالی این تغییرات متوالی تاکید نمی شود؟! از سوی دیگر بارها در اردبیل و تهران شینده بودیم که مردم می گفتند حاضرند بار مالی استان شدن اردبیل را (اگر دولت محترم عاجز به پرداخت آن است) پیش پرداخت کنند؟! به نظر می رسد نمایندگان موافق دولت که در جریان علل واقعی استان شدن اردبیل قرار دارند در صدد هستند تا با توسل به راههای مختلف ، نمایندگان مجلس را از تغییرات انجام شده در لایحه دولت منصرف کنند.

سخنران بعدی می بایست آقای نورالدین نوعی اقدم نماینده اردبیل باشد که همانند همشهریش آقای غریبانی نوبت خود را به آقای سید مطهر کاظمی نماینده خلخال می دهد. وی به شدت از استان شدن اردبیل دفاع می کند. کاظمی نسبت به انتخاب نام سیلان برای این استان مخالفت کرده نظر آقای علی اکبر حسینی را در بهتر بودن گزینش این نام برای استان رد می کند و حتی بر این امر تاکید می نماید که اهالی به هر نامی غیر از آذربایجان حساسیت دارند.

در این بین گروهی از نمایندگان ترک مجلس در دیدارهای خود با یکدیگر بر ضرورت وحدت آذربایجان تاکید می کنند.

استان شدن اردبیل، نگاهی به روابط حاشیه مرکز با ایران ، هوشنگ شهابی، فصلنامه گفتگو، تهران، تابستان سال 1377، شماره 20، ص 68

بعدها خواهیم دید که چگونه دو تن از نمایندگان اردبیل برخلاف رویه ای که برخی دیگر از نمایندگان آذربایجان در پیش گرفته اند در امتداد لابی دولت و اصفهان عمل می کنند!

آقای محمد علی سبحان الهی نماینده وقت شهر تبریز و استاندار امروز آذربایجان شرقی که از سابقه خانوادگی معروفی در برخورد با دمکراتهای آذربایجان در فاجعه 21 آذرماه سال 1325 دارد سخنران بعدی است. (5)

وي شدیدا با استان شدن اردبیل مخالفت مي کند. او معتقد است که تاسيس استان بيست و پنجم، 17 ميليارد تومان از بودجه جاري کشور را بخود اختصاص خواهد داد. سبحان الهي با تغيير نام آذربايجان شرقي به مرکزي در صورت استان شدن اردبيل مطابق نام پيشنهادهي کميسيون مجلس مخالفت کرده مي گويد:

- امروز از جهت مسایل خارجي هم مساله را بررسي کنيم، جبهه خلق در آذربايجان با تغيير اسم آذربايجان و تغيير ملیت آن چه رفتاري با مردم آنجا دارند در مقابل مردم ايستاده اند، آیا اين عمل ما تقويت حاکمیت آنها و تضعيف مردم نيست؟! اين هم از جهت خارجي که با توجه به محدوديت وقت فقط اشاره اي کردم.

روزنامه رسمي- مذاکرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 69، شماره 13963، ص 25

سبحان الهي در سخنان خود بصراحت بر تاثير گذاري فعاليتهاي جبهه خلق در جمهوري آذربايجان بر روند تصميم گيري در خصوص استان شدن اردبيل اشاره دارد و بصراحت تذکر می دهد که ميحت تاسيس استان جديد بيشتر از آنکه موضوعي اداري باشد مسئله اي سياسي است.

نورالدين نوعي اقدام نماينده اردبيل سخنان بعدي است. وي فقط در مورد توجه بار مالي استان جديد تاکيد مي کند و اساسا هيچ جمله اي در خصوص نام استان جديد بر زبان نمي آورد. گويي وي هيچ عرقی در مورد نام اين استان جديد ندارد!

سپس عبدالرضا رحمانی فضلي نماينده شيروان و رييس کنونی معاونت سياسي صدا وسیما ، با استان شدن اردبيل مخالفت مي کند و علت اين امر را مشخص نبودن اهداف اداري اين طرح دانسته در خاتمه از نمايندگان تقاضا مي کند که در خصوص استان شدن اردبيل فارغ از مصلحت انديشي هاي سياسي و منطقه اي نظر خودشان را بيان کنند!

محمد رضا باهنر نماينده تهران پشت تربيون قرار گرفته مي گويد:

- ...مناسفانه يکي از برادران عزيز که ما توقع هم از ايشان نداشتيم يک اشاراتي کردند به بعضي از مسایل سياسي، مسایل ناسيوناليستي و اين که چرا منطقه را مي خواهيد تکه تکه بکنيد چرا منطقه را مي خواهيد ضعيف بکنيد و منطقه را مي خواهيد چکار بکنيد. خود ان برادر عزيز مي دانند که آذربايجان با اسلام بوده و هست و آذربايجان با ايران بوده و خواهد بود و آنهايي که جدا شدند و رفتند ممکن است زماني بحث را جدي بگيريم و بگويم خير آنها هم با ايران بوده و آنها هم با اسلام بوده و اين را حفظ بکنيم حتي القاي اين شبهه را من واقعا گناه مي دانم که اگر عزيزي بخواهد اين مسئله را و اين شبهه را ايجاد بکند که اصلا بحث اين قضيه و مطرح شدن اين لايحه بخاطر مثلا تکه تکه کردن آذربايجان باشد من نمي دانم واقعا خدای ناکرده خود اين قضيه از بکسري گرايشهاي ناسيوناليستي و اين حرفها بلند نشده باشد که اين بحث را ما مطرح مي کنيم. خوب فاصله اردبيل با تبريز زياد بوده اردبيل احساس مي کند که اگر خودش مرکز استان باشد امکانات عمراني بودجه ها و چيزهاي ديگر راحتتر به مرکز مثلا به اردبيل برسد...

روزنامه رسمي- مذاکرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 69، شماره 13963، ص 27

صحنههاي آقاي باهنر کاملا بر اين امر دلالت دارد که در همان زمان گروهی از نمايندگان نیز بوده اند که بر اغراض سياسي مرتب بر تاسيس استان جديد با سوء نيت نگريسته و آنرا توطئه اي در راستاي تجزيه آذربايجان و تضعيف آذربايجانيان دانسته اند. اينکه باهنر مي گويد من القاي اين شبهه را گناه مي دانم و اساسا طرح شدن چنين بحثهايي منشا ناسيوناليستي دارد ميبين آن است که وي در صداست تا با منم کردن تلويحي معدود نمايندگان آزاد انديش مجلس به طرفداري از ناسيوناليسم آذربايجاني که به تازگي توسط جبهه خلق در باکو تبليغ مي شود آنها را وادار به سکوت کند و جالب اينکه آقاي باهنر بر فاصله زياد تبريز از اردبيل انگشت گذاشته نرفند ايجاد اختلاف ميان مرکز و حاشيه را بار ديگر تلويحا در ميزان و چگونگی تخصیص بودجه های عمرانی به اردبيلها خاطر نشان می کند. اساسا به نظر می رسد باهنر فاصله بسيار زياد شهرستانهاي استانهاي اصفهان ، خراسان، کرمان، سيستان و بلوچستان، يزد و فارس را فراموش کرده است!

پس از ربع ساعت تنفسي که داده مي شود اولين سخنان حسن مختاري نماينده شهرستان نجف آباد اصفهان است که بعنوان مخالف پشت تربيون قرار مي گيرد. وي جزء لابی اصفهان است.

مختاری با تمرکز بروي هزينه هاي تاسيس استان جديد و تغيير نام استان دوم به مقايسه شرايط استانهاي خراسان و سيستان و بلوچستان با آذربايجان مي پردازد و اولويت تاسيس استانهاي جديد را مخصوص استانهاي ياد شده دانسته مي گويد:

- مساله نام استان مطرح شد واقعا به فرموده برادرمان که به تمسخر نگاه کردند و گفتند که تابلوهای آذربايجان شرقي را از جا در مي آوريم و مي بريم استان اردبيل مگر فقط تغيير نام در تابلوهای سر ادارات هست؟ آیا شناسنامه ها، اسناد رسمي، ثبت احوال، ثبت اسناد، مدارک اداري فر دا همه اش قاطي پاني نمي شود؟ از طرفي وقتي مي گویند استان مرکزي که بقیه استانها تابعش باشند. چطور ممکن است یک آذربايجان شرقي مستقل، یک آذربايجان غربي مستقل، یک

استان آذربایجان مرکزی (!) آیا این تداعی اینرا نمی کند که آن دو استان تابع این استانند و چه دلیلی دارد که اگر باشد نام اولش (سیلان) نباشد که پیشنهاد شده....
روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 69، شماره 13963، ص28

مختاری از اینکه تبریز مرکز استان آذربایجان مرکزی شود دچار وحشت شده است. نماینده نجف آباد از اینکه نام آذربایجان مرکزی تداعی مرکزیت تبریز را برای دو استان آذربایجان غربی و شرقی کند عصبانی است. در واقع نماینده این شهر کوچک به خود اجازه داده تا با بیان سخنانی و فیح میان شهرهای آذربایجان تفرقه افکنی کند. به نظر می رسد عصاره صحبت‌های مختاری همان چند جمله آخر است. او پس از استفاده از حربه مخالفت قطعی در شرایطی تاسیس استان جدید را می پذیرد که بنام سیلان باشد. در واقع مختاری فقط نگران انتخاب شدن نام آذربایجان شرقی برای استان جدید التاسیس و تغییر نام استان آذربایجان شرقی به مرکزی است نه استان شدن اردبیل!
آقای علی محمد غربیانی بعنوان آخرین موافق با استان شدن اردبیل سخنرانی میکند. وی بدون کوچکترین اشاره به چگونگی نام استان جدید التاسیس تنها از ضرورت تولد یک استان جدید به مرکزیت اردبیل دفاع می کند!

کوی برای این وکیل اردبیلی بقای نام آذربایجان بر استان جدید التاسیس اصلا مهم نیست!
نوبت به مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس می رسد. وی بصراحت اذعان می کند :
- بسیاری از مخالفتها با اصل تاسیس استان جدیدی به مرکزیت اردبیل نبود. یا مخالفت با نام بود و تاکید بر همان نام پیشنهادی دولت یعنی استان سیلان که بحث در این مقوله مربوط به شور دوم می شود و یا مخالفت با انحصار در تاسیس یک استان بصورت استان جدید بود و درخواست ضمیمه استانهای دیگر یا پیش بینی استانهای دیگر که این هم مخالفت با تاسیس استان جدید به مرکزیت اردبیل به حساب نمی آید....
روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 69، شماره 13963، ص29

آخرین سخنران مجلس در خصوص لایحه یاد شده مجید انصاری معاون وقت وزارت کشور و نماینده تهران در مجالس پنجم و ششم است که بعنوان نماینده دولت بر اهمیت تاسیس استان جدید از دیدگاه وزارت کشور تاکید می کند. انصاری در خصوص تعیین نام برای استان جدید التاسیس هیچ مطلبی را بر زبان نمی آورد. او منتظر شور دوم است!
در نهایت رای گیری با ورقه آغاز می شود.
نتیجه شمارش آراء به قرار ذیل اعلام می شود:
- کل آرای ریخته شده در گلدان 204 رای
- آرای موافق 152 رای
- آرای مخالف 43 رای
- ممتنع 10 رای
- تصویب شد

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 69، شماره 13963، ص32

با تصویب کلیات این لایحه، استان جدید آذربایجان شرقی در محدوده شهرهای اردبیل، پارس آباد (مغان شهر)، بيله سوار، گرمی، مشکین شهر (خیاو) و خلخال به مرکزیت اردبیل و باقیمانده اراضی استان آذربایجان شرقی به استان آذربایجان مرکزی و به مرکزیت تبریز تغییر نام یافت.
به این صورت به رغم شدید ترین مخالفتها با بقای نام آذربایجان بر استان اردبیل، کلیات لایحه «تغییر نام استان آذربایجان شرقی به مرکزیت تبریز به آذربایجان مرکزی و تاسیس استان آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل» در شور اول به تصویب می رسد و بحث در خصوص تعیین نام دقیق استان همانگونه که سید محمود علوی مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی گفته بود به شور دوم مجلس در خصوص این لایحه موکول می گردد. عبارتی دیگر اصل تاسیس یک استان جدید به مرکزیت اردبیل مورد توافق قرار گرفته بحث انتخاب نام که در واقع مهمترین بخش این لایحه را تشکیل می دهد به شور دوم مجلس واگذار می شود. اما انهایی که در اردبیل گوش به رادیو گرفته اند تا لحظه به لحظه مذاکرات مجلس را بشنوند با شنیدن تصویب کلیات لایحه یاد شده و با فرض این مساله که اردبیل مرکز استان آذربایجان شرقی خواهد شد به خیابانها می ریزند و شادمانی خاطر انگیزی می کنند!
به هنگام بررسی مشروح مذاکرات نمایندگان در شور دوم خواهیم دید که چگونه نام تاریخی یکی از مهمترین بخشهای آذربایجان، بظاهر قربانی هزینه مالی جابجایی چند تابلو و طراحی و چاپ مجدد چند سربرگ می شود!

از 21 دی تا 22 فروردین 72
اردبیل: شادمانی در آغوش غم!

تصویب کلیات لایحه تاسیس استان جدید آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل و تغییر نام استان آذربایجان شرقی به مرکزیت تبریز به استان آذربایجان مرکزی، همه آذربایجانیها را خوشحال نمود. هم اردبیلیها و هم تبریزیها از اینکه ضمن حفظ عنوان مقدس آذربایجان، استان جدید تاسیس شده است به یکدیگر تبریک می گفتند. حتی برخی از روشنفکران و فرهیختگان به این نتیجه رسیده بودند که می بایست فرمول ویژه ای برای انتخاب نام استانهای ممکن التاسیس در ایالت آذربایجان تعیین شود تا در صورت استان شدن شهرهای جدید این ایالت روبه رشد، خدای ناکرده مشکلی در فبال نام بر افتخار آذربایجان بوجود نیاید. اما به رغم تاسیس استان جدید با مرکزیت اردبیل، نوزده سال برای اردبیلیها «قارابایرام» و یا عید سیاه بود!

اخبار بسیار تلخی از کشتار مردم مسلمان قره باغ جمهوری آذربایجان می رسید. میهمانانی که از آنسوی مرز آمده بودند از جنایات خونین داشناکهای ارمنی علیه ملت هم زبان و هم دین آذربایجان حکایتها را بسیار ناگواری را نقل می کردند. شهرهای جمهوری آذربایجان یکی پس از دیگری در منطقه قره باغ توسط ارمنه اشغال می شد و روزانه هزاران نفر از موطن اجدادی خود رانده می شدند.

در قره باغ خون شیعیان جاری بود. آذربایجانیها داغدار شهدای خود بودند. صدا و سیمای تهران و نشریات کثیرالانتشار آنزمان، عموماً از انعکاس اخبار دردناک دومین کشور شیعه جهان خودداری می کردند. در واقع رسانه های گروهی سعی می کردند با انتشار اخبار منقطع و خنثی قره باغ هیچ حساسیتی در بین مردم برانگیخته نشود.

در چنین شرایط اضطراری ای وزارت خارجه جمهوری اسلامی رسماً سیاست بی طرفی را در پیش گرفته بود. در باکو دولت تهران را به دلیل آنچه که از آن بعنوان کمکهای همه جانبه ایران به ارمنستان یاد می کردند به شدت مورد حملات لفظی قرار می دادند. جبهه خلق و رییس جمهور وقت آذربایجان بصراحت وبه مداومت روسها و فارسها را بزرگترین یاوران ارمنه می دانستند. در مقابل لئون تربطروسیان رییس جمهوری ارمنستان نیز مستمراً از جمهوری اسلامی ایران به دلیل اتخاذ سیاست بی طرفی در بحران قره باغ قدردانی می کرد.

اساساً اتخاذ سیاست رسمی بی طرفی از جانب ایران در قبال اشغالگریها و جنایتهای ارمنه در قره باغ خود جای پرسش جدی دارد!

بارها این سؤال پرسیده می شد که چگونه می توان پذیرفت که ایران بعنوان مهمترین و یا یکی از اصلی ترین مدافعان مسلمان فلسطین، شیعیان لبنان، گروههای افغانستان، اسلامگرایان تاجیکستان و نیز مسلمانان بوسنی هرزه گوین و حتی کشمیر، شیعیان قره باغ را در آنسوی مرز آذربایجانی خود فراموش کند و در قبال اشغالگریهای ارمنه این افراطی ترین مسیحیان عالم سکوت کند؟!

کشتار شیعیان آذربایجان بدست سفاکان ارمنی تنها در قره باغ انجام نشد. بعضاً از نوار مرزی آذربایجان خیر می رسید که ارمنه مسلح از آنسوی اراضی اشغالی ارس بسوی آذربایجان ایران شلیک می کنند. خبر شهادت چند تن از اهالی آذربایجان ایران دهان به دهان همه جا می چرخید. حتی گفته می شد که سربازان ارمنی عمداً در کنار آراز چایی چندین بار در برابر خشم و نفرت مردم این سوی رود به نوامیس اسیر شیعیان آذربایجان شمالی تجاوز به عنف کرده اند!

اخبار مضطرب کننده جنایات ارمنه در قره باغ و نوار مرزی بسرعت در اردبیل پخش می شد. مردم بتدریج ملتهب می شدند.

انعکاس جنایات و تجاوزات ارمنه در جمهوری آذربایجان به حدی زیاد بود که نمایندگان مجلس وقت نیز در نطقهای خود در سالهای 71 و 72 بارها به محکومیت داشناکها پرداختند:

ولی الله احمدی زاد سرای نماینده اهر نخست بعنوان یک مسلمان می گوید:

- حملات نظامی اخیر دولت ارمنستان علیه جمهوری آذربایجان و تجاوز ناجوانمردانه به خاک آن کشور موجب نگرانی مردم کشور ما شده است. ملت مسلمان ایران تجاوز آشکار به خاک جمهوری مسلمان نشین آذربایجان و قتل عام کودکان و زنان بی دفاع را توسط ارمنستان تحمل نخواهد کرد و به شدت این تجاوزات را محکوم می نماید و از دولت ارمنستان قاطعانه می خواهد هر چه زودتر به تجاوز و خون ریزی پایان داده و مناطق اشغالی را تخلیه نماید...

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص 20

سپس وی از دیدگاه یک آنٹی ترک بصورت حیرت انگیزی به وارونه گویی می پردازد:

- ...هشدار می دهم... ترکیه که سنگ حمایت آذربایجان را به سینه میزند تا چند روز پیش تمام نیازهای کشور ارمنستان را تامین میکرد و تمام امکانات و مایحتاج مورد نیاز ارمنستان از طریق انکارا به ایروان فرستاده شده است و حمایت غرب از ارمنستان از طریق کشور ترکیه انجام می شود و این چه جور سینه چاک کردن برای جمهوری آذربایجان است که بقول معروف: «دم خروس را قبول کنیم یا قسم حضرت عباس را»!!!

روزنامه رسمی - همان جلسه- همان صفحه

ذبیح الله کریمی نماینده شهر شوشتر در محکومیت اقدامات ارمنه می گوید:

- چنانچه دولت ارمنستان ... سريعا به تجاوزات خود خاتمه نداده و به مرزهاي بين المللي خود بازگردد کشتار مسلمانان و ايجاد تنش در مرزها و نا آرام نمودن منطقه ،براي جمهوري اسلامي ايران و ملت مسلمان اين کشور قابل تحمل نبوده و عواقب ان متوجه دولت و ملت ارمنستان خواهد بود ...

روزنامه رسمي- مذاکرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 101، شماره 14057، ص19

نصرت صمد زاده نماينده شهرستان اروميه نیز همچون احمدي زادسرای سرگردان میان غيرت اسلامي و منش سياسي خود بعضا از زاويه یک مسلمان و گهگاه از دید یک تابع محض سياسي چنين مي گوید:

- اي حکومت ددمنش ارمنستان تجاوزتان يخاک آذربايجان محکوم است و بايد سرزمينهاي عصب شده آذربايجان را به آغوش اسلام بازگرداني! و توده اي هاي شکست خورده تغاله آمريکا و انگليس بدانند آذربايجان از دامان اسلام جدا شدي نيست!

- اي زمامداران جمهوري آذربايجان از خواب غفلت بيدار شويد ! اي ايلچي بيگ !آلت دست ترکيه! سازش پشت برده تو با استکبار جهاني موجب به خاک و خون افتادن هزاران مسلمان مظلوم آذري بدست حکومت ددمنشانه ارمنستان گرديد.براي مردم ازاد انديش جهان چه پاسخي داريد! شما با حيل و نيرنگ در موضع گيريهائتان قصد داريد از احساسات پاک مردم ايران بخصوص آذربايجان براي جبران شکستها و بي لياقتيهائيت استفاده کنيد.

- بدان! با توجه به اسناد تاريخي محکمي که در دست داريم فرار دادهاي ننگين گذشته را در مورد آذربايجان قبول نداريم .نخجوان متعلق به مملکت ايران است! نخجوان جدا شده از خاک جمهوري اسلامي ايران است!و با توجه به اينکه اسلام مرزي ندارد دم فرو بسته ايم!!!

روزنامه رسمي- مذاکرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 103، شماره 14061، ص19

ملاحظه مي شود نمودار صحبتهاي اين نماينده به حدي در اوج و حضيض است که خواننده نمي داند وي بعنوان یک مسلمان غيوراز آذربايجان در برابر اشغالگريهاي ارامنه دفاع مي کند و يا بعنوان یک پان ايرانيست توسعه طلب خود در صدد اشغال نخجوان و آذربايجان شمالي است؟!

اما اين جمله آقاي صمدزاده مبني بر « شما(ايلچي بي) با حيل و نيرنگ در موضع گيريهائتان قصد داريد از احساسات پاک مردم ايران بخصوص آذربايجان براي جبران شکستها و بي لياقتيهائيت استفاده کنيد» نشان دهنده آن است که تاسيس استان جديد بنام اردبيل به هدف حذف نام آذربايجان ، در چه فضا ي ویژه اي صورت گرفته است.

در اين میان آقاي احمد همتي نماينده شهرستان مشکين شهر(خياو) در محکوميت جنايات ارمنستان عليه آذربايجان قاطعانه مي گوید:

- دولت متجاوز ارمنستان با کمال پرويوي و بيرحمي از حدود خود تجاوز کرده و به حریم کشور اسلامي آذربايجان يورش برده و با به خاک و خون کشاندن ساکنين بي دفاع و زنان و کودکان بيدفاع به پيشروي ادامه مي دهد و با پشتيباني روسيه ،خواهران و برادران ديني را مي کويد.اينجانب ضمن محکوم کردن دولت ارمنستان فاشيست از مردم غيور آذربايجان مي خواهم که با تکیه بر قدرت ايمان خویش وروحیه شهادت طلبی ،متجاوزين ارمني را از نیل به مقاصد شوم خویش مابوس نمايند و آنان را از وجب به وجب خاک ميهن اسلامي خویش عقب برانند...

روزنامه رسمي- مذاکرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 101، شماره 14057، ص19

در واقع براحتي مي توان از نطق نماينده ها متوجه شد که اوضاع در قره باغ آذربايجان بسيار وخيم است و ارامنه با بي رحمي تمام در حال اشغال و عصب اراضي آذربايجان هستند.

اما نماينده ارامنه شمال وارطان وارطانيان نیز بدون آنکه مقهور سخنان اکثر نمايندگان خاموش و يا یک بام و دو هواي مسلمان شود و يا همانند آنان اقدام به وارونه کويي در قبال منافع داشناکهاي ارمنستان کند پس از بکارگيري ادبيات یک مسلمان دو آتشه در قبال مسلمين فلسطين و بيان فصل مشيعي در خصوص آنچه که وي جنابهاي ترکيه در قبال ارامنه مي خواند در مورد بحران قره باغ مي گوید:

- اين روزها با ناثر و نگراني ناظر برخورد هاي جناحي در بعضي از جمهوريها ي تازه استقلال يافته همسايه و جنگ خانمانسوز در قره باغ مي باشيم.جنگي که ريشه در نقشه هاي شوم اسنالين دارد که چون بمب ساعتی اين روزها عمل نموده و آمريکا و دستهاي مرموز صهيونيستها و عاملين ترکيه که طرحهاي پان تورانيستي را در سر مي پرورانند به تحريکات پرداخته و سعي دارند که نفوذ طبيعي ايران در منطقه قفقاز را که از دوستي و مشترکات فرهنگي ديرينه ملتهاي ارمنستان و آذربايجان و ديگر اقوام به ايران و ايراني سرچشمه مي گيرد بکاهند.

روزنامه رسمي- مذاکرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 103، شماره 14061، ص18

بزودی خواهیم گفت که چگونه یکی از نمایندگان اردبیل نیز با بکارگیری کلمه پان ترکیسم، استان شدن اردبیل با نام اردبیل را نقش بر آب کردن نوطنه ها تلفی می کند. به این ترتیب ادبیات نماینده ارامنه با ادبیات نماینده آذربایجانی بنحو حیرت انگیز و البته تاسف آوری یکسان می شود!

وارطانیان همچنین می کوشد تا با غیر دینی دانستن جنگ قره باغ و تعریف از اقدامات دولت ایران ، صلح مطلوب ارامنه اشغالگر در قره باغ را رهین تلاشهای میانجیگرانه جمهوری اسلامی کند:

- جنگ قره باغ مطلقاً ریشه و اختلاف دینی ندارد...
- امید و آرزوی میانجیگری جمهوری اسلامی ایران که صلح عادلانه و شرافتمندانه را هدف خود قرار داده تجاوزات و بی عدالتیها را رفع و بانی صلح و آرامش در قره باغ گردد.

همان منبع- همان صفحه

از یک سو استقلال جمهوری آذربایجان به رهبری ابوالفضل ایلچی بی و از سوی دیگر جنایات دهشتناک ارامنه در قره باغ علیه مسلمین ، چشمهای آذربایجان ایران و نیز اردبیل را متوجه برادران و خوهران مسلمان آنسوی ارس کرده است. چنین دقت پر رمز و رازی به سوی ماورای مرزها هر دولتی را دچار واهمه می کند! باید جاره ای اندیشید! باید کاری کرد!

در 24 فروردین ماه سال 1372 یعنی دو روز بعد از تصویب لایحه تاسیس استان اردبیل ناگهان مجلس ترحیمی که در مسجد دانشگاه تهران به یاد شهدای قره باغ و با شرکت صدها تن از دانشجویان برگزار شده بود تبدیل به تظاهرات پرشور قریب به ده هزار تن از آذربایجانیهای تهران و تجمع اعتراض آمیز آنها در برابر سفارت ارمنستان گردید. در این تظاهرات که در خیابان انقلاب و در واقع در قلب تهران و بدون اخذ مجوز برگزار شد ضمن اعلام نعت از جنایات ارمنستان ، شعارهای هویت طلبانه بسیاری سر داده شد. بی تردید برگزاری این تظاهرات اعتراض آمیز شاخص مناسبی برای درک چگونگی نگرش افکار عمومی آذربایجانیهای ایران در مقطع مذکور است. (6)

شور دوم

اردبیل مرکز استان اردبیل می شود

آذربایجان در بغض سنگینی فرو می رود!

نزدیک به یک هفته از تعطیلات طولانی عید نوروز سپری شده است. افکار عمومی هنوز چندان از حال و هوای عید خارج نشده اند. دانشگاهها بعنوان وجدان بیدار جامعه اگرچه بتدریج پذیرای دانشجویان شده اند اما هنوز فعالیت علمی خود را عملاً آغاز نکرده اند. در واقع پس از نزدیک به 15 روز تعطیلی مجلس چهارم در شرایط رخوت کشور آماده ورود به شور و دهم و بحث کلیات لایحه مذکور می گردد!

مجلس چهارم جلسه روز 22 فروردین ماه سال 1372 آغاز کرده است:

نایب رئیس (دکتر حسن روحانی دبیر کنونی شورای عالی امنیت ملی) : دستور را شروع کنید
منشی : گزارش شور دوم کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در خصوص لایحه تغییر نام استان آذربایجان شرقی به مرکزیت تبریز به آذربایجان میانی و تاسیس استان آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل مطرح است ، مخبر محترم کمیسیون گزارش را قرائت و بعد توضیح بفرمایند.
مخبر: گزارش از کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور به مجلس شورای اسلامی- لایحه تغییر نام استان آذربایجان شرقی به مرکزیت تبریز به آذربایجان میانی (مرکزی) و تاسیس استان آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل به شماره ترتیب چاپی (404) که جهت رسیدگی شور دوم به کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود در جلسات متعدد و با حضور نمایندگان دولت و کارشناسان ذربط و تعدادی از نمایندگان محترم مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در جلسه مورخ 72/1/15 با اصلاحی در عنوان و متن و الحاق یک تبصره به تصویب رسید. اینک گزارش شور دوم آنجهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می گردد.

سید محمود علوی (مخبر کمیسیون شوراها و امور داخلی):

- بسم الله الرحمن الرحيم. در شور دوم این مصوبه با تغییر نام استان آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل و استان آذربایجان مرکزی به مرکزیت تبریز به استان آذربایجان میانی به مرکزیت تبریز به تصویب رسید که متن ماده واحده به این شرح است که خدمت همکاران محترم قرائت می شود:
ماده واحده- «به دولت اجازه داده می شود نسبت تغییر نام استان آذربایجان شرقی به آذربایجان میانی به مرکزیت تبریز و تاسیس استان آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل در محدوده شهرستانهای پارس آباد ، بیله سوار ، گرمی، اردبیل و مشکین شهر و خلخال اقدام نماید.»

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص 22

چنانچه مشاهده می شود در بدو شروع جلسه نود و هشتم مجلس جهت شور و دهم بررسی لایحه استان شدن اردبیل همه چیز حکایت از آن دارد که اردبیل مرکز استان آذربایجان شرقی خواهد شد و با توجه به تغییراتی که در لایحه داده شده است تبریز نیز مرکز استان آذربایجان میانی (بجای مرکزی) خواهد گردید.

نوبت به محمد باقر بهرامی نماینده شهر تکر نشین اسد آباد همدان، مخبر کمیسیون امور اداری و استخدامی مجلس می رسد. وی در خصوص عدم تصویب نام پیشنهادی استان سیلان از جانب دولت می گوید:

- بحثهایی در کمیسیون ما شد در رابطه با نام سیلان، نظر نمایندگان محترم دولت این بود که طرحی هست که در اکثر استانها این کار صورت بگیرد که کمیسیون ما با بحثهایی که در داخل خودش داشت این را به صلاح ندید و مثلا استان آذربایجان شرقی که ما پیشنهاد دادیم سیلان، استان همدان الوند و مسایل و ویژگیهای جغرافیایی هر استان که در کمیسیون ما بحث شد به دلایلی که حالا ضرورت ندارد که من عرض کنم به نام سیلان تصویب نشد. و همان شور اول کمیسیون شوراها و امور داخلی که اسان جدید به مرکزیت اردبیل در شرق منطقه است بنام استان آذربایجان شرقی، استان آذربایجان غربی به مرکزیت ارومیه بعنوان استان آذربایجان غربی و استان آذربایجان شرقی تبدیل نام پیدا کند به آذربایجان مرکزی به مرکزیت تبریز، یعنی تفاوتی که مصوبه کمیسیون ما با کمیسیون محترم شوراها دارد این است که آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل و آذربایجان غربی به مرکزیت ارومیه (تفاوت در بحث سوم است) به آذربایجان مرکزی به مرکزیت تبریز است که کمیسیون شوراها و امور داخلی آذربایجان میانی به مرکزیت تبریز گذاشته است. روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص 22

بنابراین در ابتدای جلسه تنها تفاوتی که در لایحه شور اول با شور دوم به چشم می خورد تبدیل شدن لفظ مرکزی به میانی است و بس.

اما بعد از یک سخنرانی تاسف بار روند تصویب لایحه تاسیس استان جدید دگرگون می شود! درخت از درون می پوسد!

علی محمد غربیانی که خود نماینده شهر اردبیل است و در حین نطقش اگرچه به آذربایجانی بودن خود افتخار می کند اما در اقدامی که می توان آنرا به مثابه یک خودزنی شکفت انگیز دانست می گوید:

- من از چند جهت مخالفت می کنم. البته شخصا هیچ حساسیتی بنام ندارم (!!!) هدف این بود که منطقه به یک استان جدید تبدیل بشود که بتواند آن استعدادها را بالقوه در آنجا شکوفا شود و من هم که خدمت عزیزان پیشنهادهایی دارم خودم به آذری هستم، آذربایجانی هستم و به این هم افتخار می کنم و اما از نظر ملیت خوب ما ایرانی هستیم و ایرانی- اسلامی. باز نمی خواهم این بحثها را بکنم و سردوستان و عزیزان را درد بیاورم بحث این جا است که من در کمیسیون محترم شوراها هم خدمت عزیزان عرض کردم. این به نام آذربایجان مرکزی یا میانی صد درصد بار مالی دارد و شورای نگهبان این را رد خواهد کرد. برای اینکه حداقل دوازده شهرستان باید تمام تابلوهایش را عوض بکند، تمام پلاکهای ماشینهای آنها عوض شود و سربرگهای ادارات را به طور کلی تغییر بدهد. شما حساب کنید هر شهرستانی چند تا اداره دارد ما شهرستانهایی داریم که یکصد و پنجاه اداره دارند بخوابند، تمام پلاکهایش را عوض کنند یعنی این یک هزینه ای را در بر خواهد گرفت. لایحه دولت هم این بود که آن بنام آذربایجان شرقی باقی بماند و این استان جدید با شش شهرستان همان به نام استان جدید سربرگهایش، تابلوهایش نوشته بشود و هیچ گونه در این رابطه بار مالی نخواهیم داشت.

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص 22

چگونه می توان سخن نماینده ای را پذیرفت که نسبت به نام استانی که قرار است به مرکزیت شهرش تاسیس شود هیچ حساسیتی ندارد اما به آذربایجانی بودنش افتخار می کند؟ آیا این امر نشان دهنده آن نیست که وی اساسا تعریف علیحده ای از آذربایجان دارد و فاقد نگرشهای مردمی در قبال عظمت نام آذربایجان می باشد؟ مردمی که آذربایجان را همواره بعنوان یکی از برترین نوامیس حیات خود دانسته اند. سپس وی سریعاً به سیاسی بودن قضیه اشاره می کند و می گوید:

- شاید از نظر سیاسی طرح کردن این قضیه درست نبود ولی برادران چرا حساسیت بوجود می آورید؟ ما به استان جدید با یک نام پیشنهادی دولت یا مشابه آن رای بدهیم. پیشنهاد می کنم دوستان ما به این پیشنهادی که کمیسیون داده رای ندهند و آن پیشنهاد دولت و یا مشابه آن را رای بدهند که این حساسیت هم ان شاء الله بوجود نیاید (!!!) والسلام و علیکم و رحمه الله.

همان منبع- همان صفحه

نطق آقای غربیانی تلخ است. بسیار تلختر از اظهارات نماینده ارامنه شمال! وی بظاهر از همه نمایندگان می خواهد بخاطر نهایتاً چند صد میلیون تومان هزینه تغییر نام آذربایجان شرقی به مرکزی یا میانی به پیشنهاد معقول کمیسیون رای ندهند. این چه سودایی است که ذهن نماینده اردبیل را مشغول خود کرده است تا بخاطر ممانعت از هزینه ای نامشخص و البته ناچیز، خسارتی مافوق تصور که قلم وزبان از بیان آن عاجز است نه تنها به آذربایجان بلکه به تاریخ بشری وارد شود؟

وي از سياسي شدن بحث نگران است و تاكيد مي كند كه از طريق راي دادن به نام پيشنهادي دولت ياسمي مشابه آن از جلسه پارلمان حساسيت زدائي شود. طبعاً با توجه به فضاي حاكم بر منطقه، ايران و مجلس اين سياست چيزي جز تحديد نام اراضي تاريخي آذربايجان نيست.
در جواب نطق دردناك غريبنائي، دكتور حسن امين لو نماينده شبيستر مي گويد:

- در رابطه با بار مالي اين را عرض كنم كه آنچه كه دولت آورده بود سيلان بود براي اردبيل و شهرستانهاي تابعه اش و آذربايجان شرقي بود براي تبريز و شهرستانهاي تابعه اش. طبق لايحه دولت در استان جديد بالاخره يك بار مالي وجود دارد و تابلوهائي بايد عوض شود. سربرگهائي بايد عوض شود مثلاً شهرستان خلخال هست تحت عنوان آذربايجان شرقي مدارك آن ثبت شده است. كه آنها بايد همه اش بالاخره اگر استان سيلان هم بشود بايد عوض شود. در استان آذربايجان شرقي به مركزيت تبريز اگر تصويب شود در استان آذربايجان شرقي اين تغييرات وجود نخواهد داشت اما اگر اين پيشنهادي كه الان شده و استان اردبيل به عنوان آذربايجان شرقي باقي بماند مسلماً در استان آذربايجان شرقي هيچ تغييراتي در تابلوها، در سربرگه و وجود نخواهد داشت بنابراين يك بار مالي از دوش دولت در قسمت استان اردبيل و شهرستانهاي تابعه اش برداشته مي شود و در عوض يك بار مالي در قسمت تبريز در استان مركزي ايجاد مي شود اين را ما با شوراي نكهبان هم صحبت كرديم اين اصطلاحاً تهاتر دارد... شوراي نكهبان فرمودند اين تهاتر دارد يعني در يك قسمت ما بار مالي را كم مي كنيم و در يك قسمت بار مالي را اضافه مي كنيم. بنابراين بار مالي به اين ترتيب حل مي شود.

روزنامه رسمي- مذاكرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 98، شماره 14052، ص 22

نطق امين لو نزديك به واقعيت است. او كه متوجه بازبهاي سياسي گرايشهاي پان آريانيستي و جريانهاي فرصت طلب عليه آذربايجان شده در تلاش است تا مانع از تحقق اهداف مخالفان آذربايجان در مجلس شود. امين لو حتي به ضرورت حذف نام مياني از تبصره و تبديل مجدد آن به مركزي نيز اشاره کرده مي كويد:

- اما در رابطه با نام مياني من يك توضيحي بدهم. من اتفاقاً فرهنگ لغت دكتور معين را آورده ام. صبح به فرهنگ برهان قاطع هم نگاه كردم. به فقه الغه اين كلمه هم نگاه كردم، به سابقه و اپيكولوژي آن هم نگاه كردم كلمه مياني يك كلمه بسيار مستهجنه است براي يك استان كلمه مياني (ما خودمان طبيب هستيم) يك لغت بسيار بدني است آقاين برونه به اين كتاب لغت نگاه كنند ببينند زير كلمه مياني اصلاً چه نوشته شده است چرا مجلس بايد اين بد سليقگي را نشان بدهد كه فردا بگويند مجلس نتوانست اصلاً يك اسم خوبي پيدا كند...

روزنامه رسمي- مذاكرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 98، شماره 14052، ص 22

اظهارات دكتور امين لو در خصوص معني لفظ مياني بدنياً اخطار آيين نامه اي مورد اشاره جمشيد قنبري نماينده ميانه قرار مي گيرد. وي مي گويد چون در زبان تركي تلفظ مياني با ميانه چندان فرقي ندارد لذا خواهش مي شود كه از تصويب كلمه مياني بجاي مركزي خودداري شود تا جنجال جديدي در استان ايجاد نگردد!

افسوس!

نه تنها هيچ كس خواهان بازگشت نامهاي زيبا، با مفهوم، ملي، تركانه و اصيل شهرهاي تاريخي آذربايجان نيست بلكه برخي از خودبها نيز تعمداً دچار آلايمر فرهنگي شده اند تا باقيمانده آذربايجان را نيز سلاخي كنند!

دوباره سيد محمود علوي مخبر كميسيون شوراهي و اموردخلي مجلس در پشت تريون قرار مي گيرد. وي در خصوص رفع بار مالي لايحه، نظرات آقاي امين لو را مورد تايد قرار ميدهد. اما هنگامي كه اصلي ترين سوال اذهان عمومي را مطرح ميكنند ناگهان محمد قمي نماينده ورامين در حساسترين زمان دست خود را بالا مي برد و فرياد مي كشد كه جناب رييس من اخطار قانون اساسي دارم!
كلام سيد محمود بريده مي شود...

پرسش ناتمام علوي اين است:

- چرا دولت بار مالي تغيير نام در استان اردبيل (استان جديد) را پذيرفته، اما بار مالي تغيير نام در استان آذربايجان شرقي فعلي را به مركزي نپذيرفته و اين شبهه همچنان به قوت خودش باقي مي ماند و در ضمن در زمينه اي كه آذربايجان مركزي...

روزنامه رسمي- مذاكرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 98، شماره 14052، ص 22

حرف دل آذربايجانيها در گروي يك لامردی آزاد اندیش مي شكند. كم مانده بود كه پرده هاي سياست توسط اين روحاني دريده شود! اما محمد قمي وظيفه خود را بخوبي انجام داده بود.
ناب رييس ناگهان صحبت علوي را قطع کرده مي كويد:

- آقاي علوي ببخشيد! آقاي قمي اخطار دارند. آقاي قمي بفرماييد:

روزنامه رسمي- مذاكرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 98، شماره 14052، ص 22

محمد قمي مي گوید:

- بسم الله الرحمن الرحيم. اصل 57 قانون اساسي است که طرحهاي قانوني پيشنهادي و اصلاحاتي که نمايندگان در خصوص لوايح قانوني عنوان مي کنند و به تليل درآمد عمومي يا افزايش هزينه هاي عمومي مي انجامد در صورتي قابل طرح در مجلس است که در آن طريق جبران کاهش در آمد يا تامين هزينه جديد نيز معلوم شده باشد. با توجه به اين قضيه ، اين بار مالي دارد و پيش بيني هم نشده کجا هست؟
- نايب رييس-متشکر. اين تذکر داده شده، بهرحال نمايندگان محترم در موقع راي به اين اخطار توجه خواهند کرد.

روزنامه رسمي- مذاکرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 98، شماره 14052، ص 23

- گويي محمد قمي ايدا توضيحات نمايندگان ، در خصوص چگونگي رفع بار مالي لايحه را نشنيده است. در همين حين آقاي دري نجف آبادي که بعدها وزير اطلاعات جمهوري اسلامي ايران خواهد شد و در حال حاضر در کسوت نمايندگي از شهر تهران است مي گوید:
- پيشنهاد اين است که اسم استان چه باشد . اگر اسم استان سبلان يا اردبيل باشد ديگر جاي بحث آن نيست.

روزنامه رسمي- مذاکرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 98، شماره 14052، ص 23

واقعيت نيز همين است. آقاي دري نجف آبادي به موضوع بسيار مهمي اشاره مي کند. معنای حرف وي تلويحا اين است که دعوا نه بخاطر استان شدن اردبيل بلکه فقط بر سر نام آذربايجان است وبس! اکنون نوبت مجيد انصاري معاون وزير کشور و نماينده دولت در مجلس است. اظهارات وي بصورت بارزي حکايت از آن دارد که اساسا دولت مايل است نام منطقه آذربايجان نباشد!

- واقع مطلب اين است که کارشناسان تقسيمات کشوري که مطالعه کردند حساسيتهايي در محل است و ما نبايد در نامگذاري به گونه اي عمل بکنيم و اگر جمعي از مردم خوشحال مي شوند جمع کثير ديکري مساله دار بشوند و اين اولين نامگذاري است که مجلس شوراي اسلامي در تشکيل یک استان جديد دارد تصميم مي گيرد. گذاشتن نامهايي که حاوي امتيازات ويژه نژادي ويا زبان خاصي هست به عقیده ما در فرهنگ انقلاب اسلامي جاي قابل توجيهي را نميتواند داشته باشد.
- روزنامه رسمي- مذاکرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 98، شماره 14052، ص 23

چه کسي گفته است که فرهنگ اسلامي با حفظ نام آذربايجان مخالف است؟! بيان اين جمله، تحريف اشکار تعاليم نجات بخش اسلامي و اهانت بزرگ به آذربايجان و آذربايجانيان است. همچنين در صورت صحت مفروض کاملا سخيف آقاي انصاري که اکنون راس اصلاح طلبان ايرانند ، چرا روند تغيير نام از استان فارس صورت نمي گيرد که دقيقا و صريحا بر اساس نام یک قوم زبان تعيين شده است؟! البته ناگفته پيدا است که نگارنده مطلقا قصد تضعيف نام تاريخي استان فارس را ندارد و هدف تنها نشان دادن عمق دروغ و شدت فلسفه بافيتهاي اين قبيل افراد است.

مجيد انصاري همچنين مي گوید:

- نامگذاري استان آذربايجان مرکزي و آذربايجان شرقي و غربي با اين سياست مغايرت دارد و ما به هر ميزان که ممکن است بايد اسامي عام و کامل و شامل را بگذاريم و از هرچه بوي یک امتياز نژادي ، امتياز زباني خاصي دارد پرهيز کنيم.

روزنامه رسمي- مذاکرات جلسه علني مجلس شوراي اسلامي- جلسه 98، شماره 14052، ص 23

انصاري اکنون خود به وارونه گويي رسيده است. ايا نام سبلان و يا (انگونه که بعدا تصويب مي شود) اردبيل در برابر نام آذربايجان عام و کامل و شامل است؟! گويي نماينده محترم وزارت کشور از علم منطق هيچ نميداند. وي با انتخاب نام سبلان و يا اردبيل بجاي آذربايجان جزء را بر کل محيط مي کند و کل را به زعم خود در درون جزء مي گنجاند! بارک الله به اين اعجاز . از سوي ديگر آقاي انصاري در کمال نا باوري صيانت از نام تاريخي آذربايجان را به هنگام تاسيس استان جديد، امتياز طلبي نژادي و زباني معرفي مي کند! تنها بيان اين جمله کافي است تا به عمق باطن آناني که از حذف نام آذربايجان در استان جديد دفاع مي کردند پي ببريم!

بدنبال تمامي اين بحثها نايب رييس مجلس آقاي دکتر روحاني از ناطقين موافق و مخالف تشکر کرده پيشنهاد راي گيري براي تصويب ماده واحده ذيل مي کند:

ماده واحده- «به دولت اجازه داده می شود نسبت تغییر نام استان آذربایجان شرقی به آذربایجان میانی به مرکزیت تبریز و تاسیس استان آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل در محدوده شهرستانهای پارس آباد، بیله سوار، گرمی، اردبیل و مشکین شهر و خلخال اقدام نماید.»
نایب رییس مجلس تقاضای قیام موافقین با این ماده واحده را می کند.
نایب رییس می گوید:

- تصویب نشد!

اولافاصله ادامه می دهد:

- پیشنهاد بعدی را مطرح کنید.

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص23

در این رای گیری که برخلاف شور اول از طریق قیام و فعود و بسرعت انجام می شود 188 نفر در مجلس حضور دارند. یک قیام و فعود و یک تخمین ساده به اصطلاح خود اردبیلیها «گوزه فری»، اردبیل را به سان فرزندی در برزخ جدایی از آنا بورد و مام آذربایجان قرار می دهد.

از این به بعد خواندن نطقهای مجلس برای هر آذربایجانی با غیرتی بسیار تلخ است. دیگر صحبت از آذربایجان نیست. مجال اردبیل، خلخال، خیاو و مغان رسماً از آذربایجان جدا شده اند. اکنون مناقشه بر سر انتخاب نام اردبیل و یا سیلان برای استان جدید التاسیس است.

هر کسی نظری دارد. نسیان همه را گرفته است. پان آریانیسم سرمست از پیروزی خود، در حال نامگذاری برای این طفل مظلوم و یتیم است. طفلی که طی چند ساعت یتیمش نموده عظمت و شکوه هزاران ساله اش را ذبح کرده اند.

اما تاریخ سوزی برخی از نمایندگان اردبیل بحدی تعجب آور است که آدمی دچار سرگیجه می شود! منشی:

- آقایان غریبانی و همتی پیشنهاد کرده اند استان جدید به نام آذربادگان یا آذربایجان...

که فریاد جمعی از نمایندگان با عنوان « اردبیل را مطرح بفرمایید » مانع از انعقاد کلام منشی می شود و به این ترتیب برای نخستین بار هیاهوی مجلس به نفع آذربایجان تمام شده مانع از پیاده شدن نام پان آریانیستی، مجعول و مخدوش آذربادگان می شود.

تب استان کردن اردبیل به هر طریقی که باشد به جان نمایندگان اردبیل افتاده است. مهمترین مقصد تاسیس یک استان جدید است. انتخاب نام مهم نیست. هرچه مغرضان دیکته کرده اند پذیرفته می شود. علی محمد غریبانی به پشت تریبون می رود:

- ...پیشنهادی هم که بنده دارم این است که آذربایجان شرقی به همان مرکزیت تبریز باقی بماند و... اردبیل هم از آذربایجان شرقی جدا می شود به نام استان اردبیل...

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص23 و 24

وی حتی بصورتی وارونه به سرنوشت تلخ استان زنجان این بهشت آذربایجان اشاره می کند و ظفرمندان می گوید:

- چنانچه زنجان از آذربایجان جدا شد و مساله ای هم بوجود نیامد و به نام استان زنجان الان مشغول فعالیت است...

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص24

به این ترتیب از دید آقای غریبانی تجزیه شدن آذربایجان نه تنها بد نیست بلکه احتمالاً خوب نیز هست! سخنران نوبت بعدی آقای علی موحدی ساوچی است. وی که در شور اول با اصل استان شدن اردبیل مخالف بود اکنون با مشاهده حذف شدن نام آذربایجان از استان جدید به وجد آمده و می گوید:

- این نام گذاری که در لایحه دولت آمده بهترین نام گذاری است... چه لزومی دارد که شما بگویید استان اردبیل، مرکزیش هم شهرستان اردبیل. این غلط است!

سپس وی در راستای مصلحت مردم و آینده این استان می گوید:
- من معتقدم که برای مصلحت مردم و آینده این استان جدید استان سیلان بهتر از استان اردبیل است!

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص24

نوبت نماینده بعدی است. قربانعلی دری نجف آبادی با دفاع از نام استان اردبیل برای استان جدید التاسیس در جواب مصلحت اندیشی های آقای ساوچی می گوید:

- تعجب من از برادر عزیزمان آقای موحدی ساوچی این است که چطور در رابطه با استان کرمانشاه با مرکزیت کرمانشاه کمیسیون محترم موافق بود رای دادند اظهار محبت کردند حالا وقتی یک مورد دیگر نظیر همان مورد قبلی مطرح می شود میفرمایند مثلاً من مصلحت نمی دانم و یا غلط

است. این چه جور مصلحت اندیشی است که مثلاً در یک مورد همین کار عمل شده صدر صد هم مورد تأیید قرار گرفته و در مورد دیگر همین کار مورد انتقاد قرار می گیرد؟! روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص 24

و اکنون سنوالم ما نیز این است که چرا در خصوص حذف نام آذربایجان از استان اردبیل چنین می شود ولی هنگامی که می خواهند استان خراسان را تفکیک کنند یک خراسان را به پنج خراسان شمالی، خراسان جنوبی، خراسان شرقی، خراسان غربی و خراسان رضوی تقسیم می کنند. در واقع بقول آقای دري نجف آبادی که اتفاقاً رفتارش در این خصوص مصداق گفتارش میباشد، «این چه جور مصلحت اندیشی است که مثلاً در یک مورد همین کار عمل شده صدر صد هم مورد تأیید قرار گرفته و در مورد دیگر همین کار مورد انتقاد قرار می گیرد»؟! اکنون حتی دیگر سید محمود علوی نیز کوتاه آمده است. او نیز در چند جمله فقط از اسم سیلان دفاع می کند.

باز مجید انصاری بعنوان نماینده دولت وارد صحنه می شود. او که به خواست خود رسیده است اکنون در صدر است تا باز نام جزء را بر کل اطلاق کند. نام کوه سیلان را بر محال اردبیل و خلخال و خیاب و مغان! نایب رییس مجلس ختم مجادلات را اعلام می کند و بدون اینکه بر رای گیری از طریق ورقه تأکید کند باز به سراغ قیام و قعود می رود:

- حضار 188 نفر، پیشنهاد را برای رای گیری بخوانید.
منشی:

- پیشنهاد جایگزینی ماده واحده هست با حفظ تبصره آن: «به دولت اجازه داده می شود نسبت به تأسیس استان اردبیل به مرکزیت شهر اردبیل در محدوده شهرستانهای پارس آباد، بیله سوار، گرمی، اردبیل و مشکین شهر و خلخال اقدام نماید.»
نایب رییس مجلس:

- موافقین با این پیشنهاد قیام بفرمایند
(اکثراً برخاستند. تصویب شد)

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص 25

اما به رغم اعلان تصویب شدن لایحه مذکور ناگهان نایب رییس مجلس با حالتی مردد اعلام می کند:

- یک تقاضای مسکوت ماندن این لایحه آمده که ما ناچاریم مطرح کنیم...
منشی:

- آقا دیگر رای گیری شد، تمام شد!
نایب رییس:

- بهرحال طبق آیین نامه در هر مرحله از لایحه، مسکوت ماندن قابل طرح است. البته الان پیشنهاد رای آورده ولی در عین حال چون مطرح کرده اند باید اجرا کنیم. یک نفر از افرادی که این پیشنهاد را داده بعنوان پیشنهاد دهنده صحبت کند...

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص 24

شعاع نوری در ظلمات رها می شود. قلبهای مایوس جان می گیرند. شاید امیدی باشد! شاید بتوان آذربایجان این جنت الجنات به امانت نهاده شده از جانب ملکوت در آغوش ناسوت را از تیغ تجزیه رها نمود...
بھیوی:

- حاج آقا این معنی مسکوت گذاشتن نیست، این لغو یک مصوبه مجلس است.
نایب رییس:

- ببینید طبق آیین نامه ما در هر مرحله ای ندارد که اگر در یک لایحه ای دو تا پیشنهاد یا دوتا ماده تصویب شد ما نتوانیم مطرح کنیم. البته الان مجلس رای داده و در واقع وقتی که مجلس رای می دهد به نام استان اردبیل، معلوم است که با خود مطرح شدن و تصویب شدن موافق است. اما در عین حال ما نمی توانیم این را مطرح کنیم. مگر اینکه خود افرادی که امضا کرده اند بگویند که ما پس گرفتیم والا اگر پس نگیرند ما ناچاریم مطرح کنیم. یکی از پیشنهاد دهندگان صحبت کند.

دکتر حسین امین لو:

- آقای روحانی مایس گرفتیم. (!)

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص 24

آخرین اشعه نور هم در تاریکیها گم شد. پیشنهاد دهندگان اسکات لایحه، تحت فشارهای شدید نمایندگان مجلسی که کمر به حذف نام آذربایجان از استان جدیدالتاسیس بسته اند خود وادار به سکوت می شوند.

به این ترتیب در کمال ناپاوری آذربایجان قربانی سیاست بازیهای افرادی می شود که در راستای منافع پان آریانیستی خود کالبد زنده آذربایجان را تجزیه می کنند. تاریخ نام نمایندگان که در دفاع از بقای نام آذربایجان بر استان اردبیل کوشیدند ویا اینکه جهت حذف آن مغرضانه تلاش کردند را هرگز وهرگز از یاد نخواهد برد! اکنون چشمها متوجه آخرین تشریفات قانونی است. شورای نگهبان قانون اساسی چه خواهد کرد؟!

روز دوشنبه، 30 فروردین ماه سال 1372، روزنامه اطلاعات در صفحه سوم خود در دوخط کوتاه نوشت: **تهران: خبرگزاری جمهوری اسلامی- در نشست دیروز شورای نگهبان، لایحه تاسیس استان اردبیل مطرح شد و مغایر موازین شرع و قانون شناخته نشد.**

به این ترتیب همه موانع قانونی متصور در امتداد پروسه حذف نام آذربایجان از استان جدید التاسیس با سرعت غیر معمولی طی شد و نام اردبیل اگرچه خود یکی از زیباترین و پرمحتواترین و تاریخی ترین نامهای آذربایجان است جهت حذف نام ابدي آذربایجان، مورد سوء استفاده قرار گرفت. با انتشار خبر مصوبه مجلس بار دیگر جمعی در خیابانهای اردبیل به شادمانی پرداختند. جمعیت بسیار کمتر از دی ماه بود. در واقع در غیاب مردم، هواداران نمایندگان وقت اردبیل، زمان را برای بازار گرمی مناسب یافته بودند. آنها می خواستند تا انتخاب این نمایندگان را برای دور پنجم مجلس قطعی کنند! (7)

مرگ بر پان تورانیسم و پان ترکیسم!

زنده باد پان ارمنیسم و پان آریانیسم!

همانگونه که قبلا ذکر شد نماینده آرامنه شمال در مجلس چهارم گفتند:

- ...عاملین ترکیه که طرحهای پان تورانیستی را در سر می پروراند به تحریکات پرداخته و سعی دارند که نفوذ طبیعی ایران در منطقه قفقاز را که از دوستی و مشترکات فرهنگی دیرینه ملت‌های ارمنستان و آذربایجان و دیگر اقوام به ایران و ایرانی سرچشمه می گیرد بکاهدند.

بعبارتی آقای وارطانیان، پان تورانیست‌های عامل ترکیه را طراح تحریکات قومی قفقاز و همچنین مسببان کاهش علاقه آذربایجانیها به ایران و ایرانی می داند. طبعاً در صورت صحت مفروض مذکور، دولت ایران موظف به خنثی کردن توطئه های پان تورانیستی و احتمالاً پان آذربایجانیستی افرادی است که از دید آن دولت بدنیال حاکمیت جبهه خلق در باکو بر نابرابریهای قومی در ایران و روابط تهران با ایروان انگشت گذاشته ادبیات بشدت رادیکالی را علیه سیاستهای این کشور درپیش گرفته اند.

در همین زمینه آقای نورالدین نوعی اقدم نماینده شهرستان اردبیل در اظهارات حیرت انگیزی می گوید:

- ...یکی از ثمرات سیاسی تصویب نهایی این لایحه که در پاسخ در خواستهای جدی و یکپارچه مردم و مسئولین استان اردبیل و در راستای توجه دولت محترم به محرومیت زدایی و عدم تمرکز انجام گرفت، این است که رویاهای خائنه و کم جان پان ترکیسم را بعنوان یک پدیده زشتی که بدون در نظر گرفتن جهان شمول بودن اسلام و یکپارچگی و عظمت نظام مقدس جمهوری اسلامی و با هدایت استکبار جهانی از آن سوی مرز صورت میگرداند اشفته ساخت.

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 101، شماره 14057، ص 19

به این ترتیب آقای نورالدین نوعی اقدم دانشجوی جوان و کم تجربه مقطع فوق لیسانس اقتصاد توانست با کمک همفکران ارمنی و آریا گرای خود در مجلس نام آذربایجان را از استان اردبیل حذف کند و رویاهای خائنه و کم جان پان ترکیسم که با کمک استکبار جهانی و از آنسوی مرز صورت می گرفت را خنثی کند. (8)

وی همچنین در ادامه بیانات خود وظیفه مردم استان جدید التاسیس اردبیل را در قبال مراحمی که آقایان عنایت کرده اند چنین کوشزد می کند:

- اینجانب یقین دارم که مردم شهید پرور استان اردبیل در پاسخ محبت‌های دولت و مجلس محترم همچون گذشته مرزداران فداکار و امانتداران مخلص برای نظام جمهوری اسلامی خواهند بود و تا پای جان در جهت منور ساختن پیشانی جمهوری اسلامی در برابر کشورهای حوزه قفقاز تلاش خواهند کرد.

روزنامه رسمی- مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی- جلسه 98، شماره 14052، ص 24

ملاحظه می شود نوعی اقدم نیزشانه به شانه وارطانیان ارمنی با اضافه کردن خطر پان ترکیسم به پان تورانیسم وظیفه اردبیلیها را منور ساختن پیشانی جمهوری اسلامی در برابر ملل حوزه قفقاز می داند و بعبارتی تاسیس استان اردبیل و حذف شدن نام آذربایجان از استان جدید التاسیس را تلویحاً یکی از این اقدامات معرفی می کند.

در واقع در شرایطی که از یک سوی پان ارمنیسم شمشیر خونین خود را در حنجره کودکان و زنان بی دفاع جمهوری شیعه نشین آذربایجان فرو می برد و شهرهای آنان را در طول نوار مرزی ایران یک به یک تصرف

می کرد و از سوی دیگر جریان پان آریانیسم می کوشید تا با مخالفت‌های آشکار و نهان خود از اجرای اصول 15 و 19 قانون اساسی و نیز تضمین حقوق اولیه اقوام و ملل ایران خودداری کند. به این ترتیب گروهی از نمایندگان مسیحی و مسلمان مجلس دانسته یا ندانسته، در ائتلافی حیرت انگیز با محکوم کردن پان تورانیسم و پان ترکیسمی که وجود ندارد، راه را برای تحقق اهداف پان آریانیسم و پان آریانیسمی که بسیار فعال است هموارتر کردند.

ب: بررسی لایحه جامع تقسیمات کشوری با تاکید بر آذربایجان و مشخصا استان اردبیل

روایت تاریخ

آذربایجان اعظم ایالات فلات ملل ایران است

با مروری مختصر بر تاریخ سلسله های حاکم بر نجد وسیعی که اکنون فلات ملل ایران نامیده می شود براحتی قادر به تمیز سرزمین آذربایجان هستیم.

اساسا طی هزاران سال گذشته ملت آذربایجان، در سرزمینی با مرزهای مشخص زیسته اند. از زمان اتحادیه ملل ایلامی تا ظهور امپراطوری اسلامی، آذربایجان یا بعنوان یک ایالت بسیار مهم و یا در غالب یک کشور مستقل حضور برجسته تاریخی خود را حفظ کرده است.

پس از انقراض سلسله منحط ساسانی و تشکیل خلافت اسلامی، آذربایجان همچنان یکی از ایالتهای بسیار مهم امپراطوری اسلامی تلقی شده است، بگونه ایکه مرکز والیان ففقاویه نیز عموما آذربایجان بوده است. از این زمان تا روزگار سلجوقیان و استقرار ارفعزل کبیر سلجوقی، تمدن شکوهمند ترک- اوغوز آذربایجان با تاسیس مقتدرترین امپراطوری تاریخ فلات ملل ایران بر تمام نجد مذکور حاکم می شود. اقتدار آذربایجان حتی در دوران حاکمیت مغولان و ایلخانیان نیز محفوظ می ماند.

بی تردید در بخش مهمی از دوران امپراطوری صفویه نیز اقتدار ایالت آذربایجان در سرنوشت امپراطوری بی رقیب است. در این زمان حدود ایالت آذربایجان بقرار زیر است:

بیگلر بیگی تبریز (گیلان، قزوین، تمام شمالغرب ایران امروزی و زنگه زور)، بیگلر بیگی قره باغ (گنجه، بردع، برکشا، لوری، جوانشیر)، بیگلربیگی چخور سعد (ایروان، نخجوان، ماکو و بایزید) و بیگلر بیگی شیروان (باکو، شاماخی، شکلی، شیروان، قوبا، سالیان) که تماما به مرکزیت تبریز اداره می شوند.

فدرالیسم در ایران، مجموعه مقالات، فدرالیسم برترین میراث سیاسی ملل فلات ایران، فرزانه سیف السادات، ویژه نامه مرکز تحقیقات مجمع دانشگاهیان آذربایجانی (آبتام)، شهریور 1382، ص 109

ایالت آذربایجان پس از انقراض صفویه و تشکیل دولتهای کوتاه مدت افغانی، افشاری و زندی تحت عنوان مملکت آذربایجان و به مرکزیت تبریز مهمترین ایالت از ایالات چهارگانه امپراطوری قاجاریه است. در واقع در ممالک محروسه قاجار اگر دارالخلافه طهران شاه نشین است، دارالسلطنه تبریز ولیعهد نشین و شاه گزین است.

این ایالت عموما به مقتضای زمان، پایتخت ولایات مجاور خود از جمله کردستان و کرمانشاه نیز محسوب می شود.

بلاغت و خیانت پهلوی

از تحذیف تا تحدید نام آذربایجان

متاسفانه پس از کودتای انگلیسی رضا پالانی معروف به رضاخان میر پنج در سوم اسفند سال 1299 و بدنبال آن حاکم شدن اقلیت فارس بر کل کشور و نیز رسمی شدن اجباری زبان محلات فارس نشین در سراسر ایران تقسیمات اداری کشور ناگهان وضعیت حیرت انگیزی بخود می گیرد.

در تاریخ 1316/8/16 به موجب قانون مجلس رضا شاه، تقسیمات کشور و همچنین اسامی تاریخی ایالات حذف و در اقدامی سفیهانه کشور ایران به شش استان شمال غرب، غرب، شمال، جنوب، مکران و شمال شرق تقسیم می شود. کوتاه مدتی بعد در آذرماه همان سال با تجدید نظر در تقسیمات سابق، کشور ایران به ده استان تقسیم شده و بصورت مضحکی بر اساس شماره هایی از یک تا ده نام گذاری می شود. تبریز مرکز استان سوم و ارومیه مرکز استان چهارم شده حدود آذربایجان و نام آذربایجان بطور کامل از نقشه کشور حذف می شود. در این تقسیم بندی اردبیل جز استان سوم است.

اما این تقسیم بندیهای خائنه و نامگذاریهای ابلهانه بغیر از دوران پرافتخار جمهوری آذربایجان ایران تا سال 1339 ادامه می باید. در این سال استانهای سوم و چهارم با نامهای آذربایجان شرقی و غربی ایجاد می گردد. در کل کشور ایران به 13 استان و 8 فرمانداری کل (بعدا 11 فرمانداری کل) تقسیم می شود. در تقسیمات جدید اگرچه برخی از شهرهای آذربایجان به استانهای مجاور داده می شود و همدان بعنوان فرمانداری کل شناخته میشود اما خوشبختانه استانهای آذربایجان شرقی و غربی از تیغ پان آریانیسم پهلوی تاحدی درامان می مانند. در این تقسیم بندی استانهای اردبیل و زنجان جز استان آذربایجان شرقی هستند.

در این میان آستارا که قبلا بخشی از شهرستان اردبیل بود خود در سال 1337 به یک شهرستان تبدیل شد.

استان شدن اردبیل،نگاهی به روابط حاشیه مرکز با ایران ، هوشنگ شهبابی، فصلنامه گفتگو، تهران، تابستان سال 1377، شماره 20، ص 64

این شهر کاملاً آذربایجانی در کمال ناباوری، در سال 1350 از آذربایجان شرقی جدا و به گیلان واگذار گردید. با جدا شدن آستارا از اردبیل ارتباط آذربایجان ایران با دریای خزر بطور کامل قطع شد و تمام سواحل غربی دریای خزر به گیلان واگذار گردید. به این ترتیب آذربایجان ایران تنها بندر خزر یانی خود را از دست داد و از همه عواید گمرکی، توریستی، شیلات ... که متعلق به این بندر بود محروم شد. بندریج زنجان نیز فرمانداری کل شده همراه دیگر فرمانداریهای کل یازده گانه تا سال 1357 به استان تبدیل می شود. در این مدت اردبیل نیز در حال طی کردن پروسه تبدیل شهرستان به فرمانداری کل است که به دلیل بروز انقلاب این روند متوقف شده اما در نهایت در سال 1372 به دلایلی که توضیح داده شد مرکز استان جدید التاسیس اردبیل می شود.

دولت: ایران با ده ایالت ملت: زنده باد فدرالیسم!

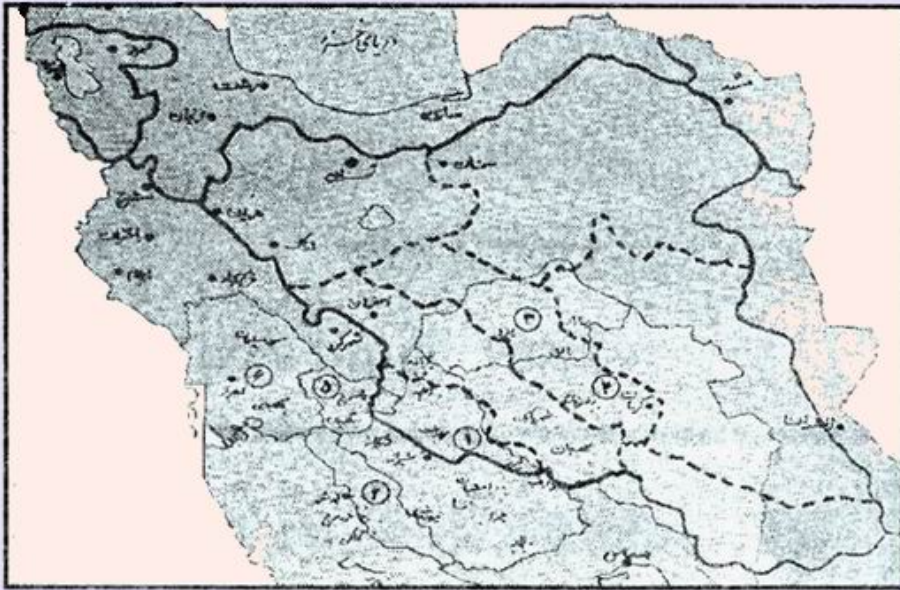
از سال 79 بتدرج بحث ده ایالتی شدن ایران از جانب کارشناسان وزارت کشور مطرح شده است. این طرح در قالب لایحه ای تحت عنوان لایحه جامع تقسیمات کشوری در اواخر سال 1380 از سوی وزارت خانه مذکور تقدیم ششمین دوره مجلس شورای اسلامی گردید. طبق گفته نایب رئیس وقت کمیسیون اجتماعی مجلس طبق لایحه مزبور ایران به ده ایالت تقسیم شده و کل استانها از حالت مدیریت استانی بیرون آمده و با تجمیع چند استان همجوار، تبدیل به 10 استان و یا به عبارتی 10 ایالت خواهند شد. فدرالیسم در ایران، مجموعه مقالات، فدرالیسم برترین میراث سیاسی ملل فلات ایران، فرزانه سیف السادات، ویژه نامه مرکز تحقیقات مجمع دانشگاهیان آذربایجانی (آبتام)، شهریور 1382، ص 117

انتشار اخبار ده ایالتی شدن کشور با استقبال گسترده اقوام و ملل ایران روبرو شد. بگونه ایکه بحث ضرورت تاریخی بازگشت فدرالیسم به ایران مجددا مطرح گردید و حتی در بیانیه های اقوام و ملل ایران جزء خواسته های اولیه محسوب شد. بعنوان مثال در دومین ماده از منشور معروف آذربایجان سخن می گوید که به امضای نزدیک به شش صد تن از مشاهیر و فعالان فرهنگی آذربایجان رسیده است حرکت بسمت فدرالیسم ضروری دانسته شد. از طرف دیگر تصویب قوانین اساسی جدید کشورهای افغانستان و عراق موافق الگوهای فدرالیستی، حکایت از این امر دارد که حتی شرایط جهانی و منطقه ای نیز در امتداد تاسیس نظامهای فدرالیستی و غیر متمرکز در منطقه خاورمیانه در حال حرکت است. اما متأسفانه به نظر می رسد لایحه تاسیس ایالات دهگانه در ایران با آنچه که مورد نظر اقوام و ملل ایرانی است بسیار متفاوت و حتی متعارض است!

به نقشه زیر که در ششم آذرماه سال 1380 یک بار و تنها در روزنامه ابرار چاپ شده است دقت کنید: (9)

با اجرای طرح ده ایالتی

استانداران رئیس ایالات کشور می شوند



گروه سیاسی

با اجرای طرح ده ایالتی شدن
کشور، استانداران با ارتقاء به
معاون وزیر به عنوان رئیس ایالت
انجام وظیفه خواهند کرد.

عضو کمیسیون امنیت ملی
و سیاست خارجی مجلس با
اعلام این مطلب گفت: با
اجرای طرح ده ایالتی شدن در
نظام تصمیمات کشوری علاوه
بر اینکه کشور به توسعه سیاسی

در این نقشه مغشوش و مجعول آذربایجان در معرض محو است و اساسا استانهای اردبیل، زنجان، قزوین و شمال آذربایجان وجود ندارند!

طبعاً پیاده شدن لایحه جامع تقسیمات کشوری و یا عبارتی طرح ده ایالتی شدن کشور طبق این نقشه مجعول، موجب بروز شرایط غیر قابل پیشینی در سطح کشور خواهد شد. در واقع پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ورود به عصر ایران اسلامی، متأسفانه وجود دارند افرادی که هنوز به شدت مروج ایران آریایی هستند. آنان با نفوذ در مراکز تصمیم گیری کشور می کوشند تا در راستای پندارهای پان آریاییستی اقوام و ملل ایران را مجدداً به زنجیر کشند. این نئو فاشیستهای امروزی می کوشند تا با توسل به شیوه های تسنیر اسناد هویت اقوام و ملل، تجعیل مدارک مقوم پان آریانیسم، تحریف و قلب حقایق ملی، تحقیر شان هویتهای غیر فارس و حتی تفتیل فیزیکی آنها به مقاصد خود دست یابند. در چنین شرایطی به نظر می رسد سیاست دیوار کشی در آذربایجان یکی از مکانیسمهای اجرایی شدن سناریوهای یاد شده است.

به این ترتیب دیوارها بالا می روند تا آذربایجان در خانه خود حبس شود! جریان پان آریانیسم دیروز توانست استانهای همدان، مرکزی، زنجان و قزوین و همچنین شهرهای ترک نشین استانهای گیلان، کردستان، کرمانشاهان و تهران را از آذربایجان جدا کند. در واقع با هر جدایی، جداری و دیواری در برابر آذربایجان کشیده شد. آنان امروز اردبیل را هم از آذربایجان جدا کرده اند.

می گویند فردا مراغه، اهر، ماکو (ماکو)، مرند، خوی و سویوق بولاق (مهاباد) نیز باید استان شوند. (10)

دیوار در کنار دیوار بالایی رود!
گویی می خواهند لابیرنتی از استانها را در شمال غرب ایران تشکیل دهند.، تا مگر خورشید آذربایجان در پشت این دیوارها پنهان شود!
اما،

اردبیل سخن می گوید:

آفتاب عالم تاب آذربایجان در مشرق، هرگز غروب نخواهد کرد!

به امید روزی که همه استانها و شهرهای جدا شده از روضه رضوان آذربایجان سخن بگویند!

توضیحات:

* از اعضای «کمیته اعاده نام ابدی آذربایجان بر استان اردبیل» که اختصاراً «کمیته اعاده» نامیده می شود. («اردبیل اوستانینا آذربایجان ابدی آدینین قایتاریش کومیتة سینین عوضوو» کی موختصر اولاراق «قایتاریش کومیتة سی» آدلانیر.)

(1). گفته می شود کارشناسان وزارت کشور تاسیس استان سومی را در جنوب خراسان به نام کوهستان و یا فهستان به مرکزیت بیرجند به وزیر کشور وقت پیشنهاد کرده بودند که مورد پذیرش وی قرار نگرفته است.

(2). اردبیل یکی از تاریخی ترین شهرهای آذربایجان است. برخی از آنهایی که معتقدند زرتشت بزرگ، متولد آذربایجان می باشد بر این نظرند که وی احتمالاً در حدود این شهر ترک نشین متولد شده است. نام اردبیل در احادیث معصومین نیز آمده و حتی در حدیثی از رسول اکرم (ص) اردبیل مدفن یکی از پیغمبران دانسته شده است. همچنین این شهر در دوران حکومت اعراب پایتخت ایالت آذربایجان بزرگ آن روز بود. اردبیل با لقب دارالارشاد در دوران حکومت صفویان نیز برای مدتی پایتخت سراسر امپراطوری صفوی محسوب می شد.

(3). تلاشها و یا بهتر بگوئیم توطئه های متعددی برای ایجاد اختلاف میان تبریز و اردبیل صورت گرفته است. حتی پس از استان شدن این شهرستان برخی از نشریه های طیف پان آریانیسم کوشیدند تا استان شدن اردبیل را به معنای پیروزی اردبیل بر تبریز معرفی کنند. بعنوان مثال به خبر زیر از نشریه گفتگو توجه کنید:

بر روی دیوار یکی از یادگانهایی (لشکر عاشورا) در تبریز (توسط اردبیلها) نوشته شده بود تبریز آمریکای دوم !!!

استان شدن اردبیل، نگاهی به روابط حاشیه مرکز با ایران ، هوشنگ شهبایی، فصلنامه گفتگو، تهران، تابستان سال 1377، شماره 20، ص 66

نویسنده سند خبر خود را یک منبع شفاهی ذکر کرده است. وی هزاران نکته موجود مثبت و گویا در روابط میان اردبیل با تبریز را فراموش کرده و تماماً با استناد به خبری که هرگز وقوع آن و یا حتی در صورت وقوع اغراض نویسنده آن روشن نخواهد شد بی پروا می کوشد تا برادران و خواهران آذربایجانی را در دوسوی این ایالت هم سرنوشت و زجر کشیده از ستم آریاکرایان، رودروی هم قرار دهد و به این ترتیب به اهداف پلشت پان آریانیستی خود نایل شود.

(4). لازم به تذکر است که عین سخنان نمایندگان از روزنامه رسمی پیاده شده است.

(5). وی همان کسی است که در سال 1380 بعنوان استاندار آذربایجان شرقی در دیدار با خبرنگاران گفته بود: هر کس در حال حاضر از اجرای اصل 15 قانون اساسی حرف بزند خائن است!!!

(6). در حاشیه تجمع دانشگاهیان طوماری توسط شرکت کنندگان برای تبریک استان شدن اردبیل و همچنین محکومیت جریانهایی که موجب خروج رسمی اردبیل از نام آذربایجان شد امضا گردید. در محرم همان سال نیز گزینش این نام توسط شرکت کنندگان در هیاتهای عزاداری به انحاء مختلف تقبیح شد.

(7). هرگز فراموش نخواهم کرد چشمهای آذربایجانیها و بخصوص اردبیلیهای وطن دوستی را که بر خروج اردبیل از سایه آذربایجان گریستند و یا لبخندهای تمسخر آمیز پان آریانیستهای را که از وقوع این فاجعه شادمانیها کردند.

(8) در شرایطی که مدت کوتاهی از استان شدن اردبیل می گذشت آقای نورالدین نوعی اقدم در یک برنامه رادیویی همراه با دو نماینده دیگر اردبیل یعنی آقای محمد غریبانی و قاضی پور شرکت کرد. وی بار دیگر به صراحت تکرار نمود که تاسیس استان جدید با نام استان اردبیل اقدامی تعمّدی در راستای مبارزه قاطع با پان ترکیسم بود. این سخنان مورد اعتراض هیچکدام از دو نماینده دیگر قرار نگرفت!

(9) تصویر کامل نیم صفحه بالای روزنامه ابرار مورخه مذکور:

انتخابات

رد اعتبارنامه هم «استوایی» است

رسالت نظارت استصوابی شورای نگهبان و پروسه رد اعتبار نمایندگان مجلس را مقایسه کرد: آیا اگر نظارت استصوابی شورای نگهبان، عملاً برچیده شود و کاندیدها بتوانند پس از مشخص شدن سن و سال و اعتبار خود، رأی مردم را کسب نمایند، آیا دیگر مجلس منتهی برای حضور آنان در مجلس به عنوان نماینده نیست؟ یعنی آیا پس از برداشتن سدی به نام تعیین صلاحیت کاندیدها توسط شورای نگهبان، داوطلب نامیدگی می تواند خوشحال و خندان باشد که با کسب رأی مردم و بدون هیچ گونه سدی، به مجلس خواهد رفت؟

پاسخ منفی است، زیرا هنوز سد بسیار بزرگی به نام تصویب اعتبارنامه نمایندگان باقی است که در کنار نیست. سؤال می فرماید که



انتخاب کنند و حکومت نیز به رای آنان احترام بگذارد. موسوی لاری گفت: مگر

موسوی لاری: رد صلاحیت ۶۰ کاندید افتخار نیست

وزیر کشور با اشاره به رد صلاحیت های اخیر برخی از کاندیدهای استان گلستان افزود: آیا این افتخار است که بگوییم از ۱۷۰ نفر کاندید، ۶۰ نفر آنان را رد صلاحیت کردیم.

موسوی لاری که در آپشن معرفی استاندار جدید آذربایجان شرقی سخن می گفت، افزود: اصلی ترین نهاد صیانت از ارزش ها در نظام اسلامی را به ما دادن به رای مردم است. وی اظهار داشت: به ما دادن به رای مردم منتهای آرمان دولت اسلامی است و با احترام به رای و خواست مردم، عزت آنان نیز

موسوی لاری که در آپشن معرفی استاندار جدید آذربایجان شرقی سخن می گفت، افزود: اصلی ترین نهاد صیانت از ارزش ها در نظام اسلامی را به ما دادن به رای مردم است. وی اظهار داشت: به ما دادن به رای مردم منتهای آرمان دولت اسلامی است و با احترام به رای و خواست مردم، عزت آنان نیز

مشاور وزیر:

طرح غیر منتظنی آموزش و پرورش تصمیم مدیریتی است

نهایت تبدیل به باشگاهی در دوستان قدیمی در خلایق مشترک سیاسی می شود. باشگاهی که اگر افضای آن فرصت مطلقاً را به خود دهد ۶۰ و اوایل دهه هفتاد داشتند، در اواسط و اواخر دهه هفتاد به علت در دست گرفتن مناصب اجرایی توان تعجب و تفکر کافی را در مقام استراتژیست های سیاسی هر روز در خود کم رنگ تر دیدند. با این حال هر چند بی پایه ها و اعلام مواضع آنان هنوز قدرت آن را دارد که یک دهه گذشته به نیت اول روزنامه های اصلاح طلب و محافظه کار تبدیل شود، ولی به نظر می رسد آرایه تلاش ها، رنگ مده، مدل های

با اجرای طرح ده ایالتی استانداران رئیس ایالات کشور می شوند

گروه سیاسی

با اجرای طرح ده ایالتی شدن کشور، استانداران با ارتقاء به معاون وزیر به عنوان رئیس ایالت انجام وظیفه خواهند کرد.

عصر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اعلام این مطلب گفت: با اجرای طرح ده ایالتی شدن در نظام تصمیمات کشوری علاوه بر اینکه کشور به توسعه سیاسی نزدیکتر می شود، بلکه بهتر می توان از منابع گوناگون اقتصادی استفاده کرد.

موسوی گفت: نظام تقسیم بندی جغرافیایی کشور



تصمیم مدیریتی است

گروه خبر

مشاور وزیر آموزش و پرورش با انتقاد از ادغام معاونت های پرورشی و آموزشی گفت: این طرح اشتباه بدون پشتوانه کارشناسی و تنها یک تصمیم مدیریتی است که از ضعف منتظنی

نقطه ضعفی که آقایان آرایه دهنده این طرح دارند این است که کارشناسی نکرده اند

اختلاف به مسوولان بلند پایه آموزش و پرورش برمی گردد

پرورشی وزیر آموزش و پرورش یادآور شد: وقتی که به یکبارگی

حیات نو درباره پایه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی درباره ملاکها با طالبان نوشت: محفل های تحریف انگیز اصلاح طلبیان در این سال ها دگرگونی های چشم سازی را به ارمغان نمی آورند. فراسوی غفلت های همسپاسگی محافظه کاران، نکته ای که نگرانی می آفریند این است که «گور چشمتی» در دیدن واقعیت ها، معادلات و تحولات هر چه داخلی و تحلیل آنچه جامعه ایرانی در عرصه های مختلف به آن مواجه است، یا را از دیون مرزها فراتر رود، کنگره ای آشکارا، تشکا

۱۰)البته این شهرها حقیقتاً باید استان شوند.نخستین پیشنهاد تشکیل ایالت آذربایجان ایران است.مملکتی که طی هزاران سال بوده و اکنون نبودش حیرت انگیز است. اما در شرایط کنونی تا فاصله تشکیل این ایالت، برای اینکه شهرهای یاد شده از تحت نام ابدی آذربایجان خارج نشوند باید فرمول ویژه ای برای نامگذاری این استانهای احتمالی جدید طراحی شود.برخی معتقدند که با افزودن نام مراکز استانها به نام آذربایجان می توان فرمول قابل قبولی را آرایه کرد.به این ترتیب مثلاً اردبیل خواهد شد،استان اردبیل آذربایجان.